

برنامه دولت با اصطلاح مکتبی سرکوب، سرکوب و بازهم سرکوب

ریاست جمهوری را سرهم بندی کرد -
همزمان با آن کسری نمایندگان مجلس
را "جوگرده" و بدنیال آن به تشکیل هیئت
دولت "مدرسه مکتبی" اقدام نمود. خمینی
پس از اعلام رای اعتماد مجلس به ۲۱ نفر
از ۲۲ نفر هیئت دولت در جمعی گفت که
تا بنی صدر بد طرف یکسال و نیم
تتوانست هیئت دولت را تشکیل دهد و حالا
طرف چند روز هیئت دولت هم نتخاب شد!!
بقیه در صفحه ۱۵

رژیم جمهوری اسلامی پس از یکبارجه
کردن حاکمیت و بیرون راندن جناح
لیبرالها از حاکمیت و خلق بینسی صدر
از ریاست جمهوری در شرایط اعمال ترورو
اختناق و اعدامها به تشکیل ارگانها و
نهادهای با اصطلاح مدرسه مکتبی پرداخت
و آنرا انقلاب سوم نامید! با تهدید و
ارعاب و تبلیغات و یگانگاری همسه
نگردهای "شرعی و عرفی" انتخابات

سرمقاله

رژیم جمهوری اسلامی به کجا می رود؟

در هفته گذشته بدنیال انفجاری که
در دفتر نخست وزیری صورت گرفت رجائی
و با هنر رئیس جمهور و نخست وزیر و سیز
رئیس شهربانی جمهوری اسلامی بقتل
رسیدند. این انفجارها و ترورها که از
حدود دو ماه پیش آغاز گردید و طی آن تعداد
زیادی از رهبران و سران فعال رژیم
جمهوری اسلامی بقتل رسیدند، با گذشت
هر روز از تعداد تازه ای برخوردار می گردد
اگر روزنامه های رسمی دولت را نیز
دوماه گذشته ورق بزیم بیشترین ستون
روزنامه ها را اخبار روگزارشهای مربوط
به عملیات رژیم نیروهای انقلابی و نیز
بازداشتها و اعدامهای رژیم بخود اختصاص
داده است. روزی نمی گذرد که در عملیات
مسلحانه نیروهای انقلابی بمراکز رژیم
و سرکوب رژیم و یا حمله به مزدوران آن -
دهها تن کشته شوند و کمترین روزی را
میتوان سراغ گرفت که تعدادی از -
انقلابیون بجرم دفاع از آزادی و آرمانهای
توده های زحمتکش و تحت ستم توسط
جلادان رژیم جمهوری اسلامی سزا و خون
کشیده شوند.

اکنون سؤالی که برای انبوهی از
توده های مردم مطرح است، اینست که
سراجام این اوضاع به کجا خواهد رسید
انجام رژیم جمهوری اسلامی به کجا
میرود، و بالاخره چه کسی مسئول اوضاعی
است که اکنون برمیهن ما حاکم شده است؟
رژیم ددمنش و جناپتکار جمهوری اسلامی
که پس از گذشت نزدیک به سه سال از قیام
دلوران خلق جامعه را بسوی بربریت و
توحش قرون وسطایی سوق داده است -
عوا مفریبهانه تلاش می کند تا نیروهای -
بقیه در صفحه ۲

نیمت آخر

خمینی چه گفت؟ خمینی چه کرد؟

صفحه ۷

اهداف پشت پرده حمله دولت نژاد پرست آفریقای جنوبی به آنگولا و توطئه های امپریالیستی در رابطه با:

جنبش استقلال طلبانه خلق نامیبیا

آفریقای جنوبی اشغال شده است. در -
این حملات وحشیانه غیرنظامیان آنگولا -
لاش می دمات و تلفات زیادی متحمل شده
- اند. طبق گفته فرمانده نظامی آفریقای
جنوبی در این حملات ۲۵۰ آنگولائی کشته
شده اند.
بقیه در صفحه ۹

دولت نژاد پرست آفریقای جنوبی
پس از ماها توطئه چینی، در روز دوم شهریور
با حملات وسیع و طبق برنامه خود را به
استان جنوبی آنگولا آغاز کرد و طی چند
روز هشت شهر مرزی آنگولا را اشغال کرد.
مطابق اظهارات سخنگوی دولت آنگولا
شهرکاتن مرکز استان جنوبی توسط قوای

در این شماره

جنبش جهانی

جنبش کارگری

پرولتاریا و آزادیهای دموکراتیک

ارگان سازمانی و نقش آن

نمایش مضحکی بنام مصاحبه تلویزیونی

ددمنشا نه و وحشیانه رژیم تا بد آنجا پیش
رفت که تمامی نمایندگان صحنه آ نهاد
که مسلمان بودند و اکنون مسلمان ستر
نده بودند و چه آن که قبلا "با اصطلاح
کمونیست بودند" ما در زیر بار شکنجه و به
دلیل ضعف ایدئولوژیک و ناتوانی از -
مقاومت، برای نجات جان خود به فکسر
بقیه در صفحه ۱۷

از همان هنگام که با مرگ بهشتی و به
دنیال افزایش هواختناق و سرکوب،
نمایشات مضحک تلویزیونی حزب سون
و خائنین اکثریتی و توده ای بایان
گرفت. نمایشات مضحک دیگری جایگزین
آن شد که مصاحبه تلویزیونی با اصطلاح
هواداران سازمانها و گروههای انقلابی
بود. این نمایشات، به بهای شکنجه های

رژیم جمهوری اسلامی به کجا میرود؟

بقیه از صفحه ۱

انقلابی را مسئول ناسا ماندهای موجود و گسترش عملیات قهرآمیز درگیریهای مسلحانه معرفی کند، تا بدین طریق از یک سو در ذهن توده های ناآگاه اغتشاش و سرردگمی ایجاد کند و از سوی دیگر سیاستهای جناحی را نه و ضد خلقی خود را علیه خلق و سازمانهای انقلابی بنام دفاع از امنیت و انقلاب او مبارزه با تروریسم! پیش برد.

اما واقعیت این است که رژیم جمهوری اسلامی که از همان فردای قیام با حمله به کردستان، جنگ داخلی را علیه خلقی اعلام نمود، در ادامه سیاستهای خود، از مدتها پیش بمنظورهای ازبهران سیاسی موجود و مقابله با توده های مردم طرح سرکوب نیروها و سازمانهای انقلابی را تدارک دید. اطلاعاتی که ما در این داستان کل انقلابی طرح و تصویب لایحه ارتجاعی مربوط به فعالیت سازمانها و گروههای سیاسی، تعطیل همه مطبوعات مخالف و بالاخره اسنادی که در زمینه سرکوب نیروهای انقلابی مدتی پیش در نشریه کارافتادگان شد، همه بسیار مگر مقدمه تاسفناک بود که ما بخون کشیدن نظایرات ۳۰ - خود را دوام و حشیا نه نیروهای انقلابی سر حمله اجراء در آمد، رژیم در این تصور باطل سر می برد که بدین طریق تا در خواهد بود، سازمانهای انقلابی را درهم شکند، توده های زحمتکش را رگر، دهقان و دیگر اقشار خلق را سرکوب نماید و از مبارزه - بازدارد و بدین طریق خود را از شر بحران و خیم موجود نجات بخشد. اما با ضرب المثل مشهور که در دناشی به کجا همدان میزند "رژیم جمهوری اسلامی نیز دست به یک تقلیدناشیانه و احمقانه ای زد که نتنها ذره ای از اسناد بحران سیاسی موجود نکاست، بلکه بالعکس به تشدید بحران و تسریع سرنگونی آن انجامید. رژیم جمهوری اسلامی که دیده بود رژیمهای ضد خلقی در مواردی توانسته اند تا توسل به سرکوب و قهر علیه توده ها و سازمانهای سیاسی موقعیت متزلزل خود را مستحکم سازند، دست به تقلیدناشیانه ای این تاکتیک زد. اما در کجای آنکه با چنان وضعیت، ازوخا متبحران اقتصادی و سیاسی و تشدید بی سابقه تضادها و مبارزه طبقه تی

روبروست که هر اقدام سنجیده، او را بیشتر در گرداب ناسا بودی فروخواهد برد. بنا بر این، رژیم با توجه به شرایط حاکم مروج سرکوب و اختناق، با زداشت و اعدامهای جناحی تکرارانه خود را آغاز کرد. تعداد - زیادی از مبارزترین فرزندان انقلابی خلق را که اکنون تعداد آنها از مرز ده هزار گذشته است با زداشت کرد. تساویت و جنایت را بنهایت خود رسا ندویم منظور ایجاد جواری عاب و وحشت در فاصله دو مساه سیش از هزار تن از نیروهای انقلابی از جوانان انقلابی ۱۴-۱۵ ساله گرفته تا زنان حامله و شخصیتهای برجسته ای چون سعید سلطانپور، فدائی خلق و سعادت علی مجاهد خلق را بخوفا اعدام میبرد. اما این همه جنایت کافی نبود، رژیم خواب تابودی همه نیروهای انقلابی را دیده بود. بنا بر این تمام امکانات خود را بکار گرفت. خدمتی این خائن جناحی که تاکنون بزرگترین حشایا را بخلق کرده است کسی که انقلاب توده ها را به بیراهه کشاند کسی که با سرزوازی سازش کرد و سرسپرد - گان امیربالیسم را در راس مقامات عالی دولتی قرار داد، کسی که در کردستان خونستان و بسیاری از مناطق ایران حکم فحاشی خلق را صادر کرد و طی نزدیک به سه سال نقش خائنانه خود را بسنواستون یک شانزلاتان عوام فریب سازی کرد، فتوای کشتار نیروهای انقلابی را صادر کرد و توده ها را دعوت به جاسوسی علیه یکدیگر نمود، اما بهر حال این جنایات با تمام ایفاد خود نتوانست از ایران مظلوم و انقلابی، جزیره شایات و آراسی برای رژیم ایجاد کند، بلکه بالعکس اعمال قهر و خشونت ارتجاعی رژیم، خشم و نفی انقلابی را برانگیخت. موج عملیات رژیم، ترور، بمب گذاری، حملات مسلحانه به کمیته ها، واحدهای گشتی سرکوب و دیگر نهادهای رژیم گسترش یافت و در این میان ترور سران رژیم ابغادی بخود گرفت که کمتر خونهای در تاریخ می توان پیدا کرد. بنا بر این یکبار دیگر در ایران نسیز همانند تمام جوامع طبقاتی نشان داده شد که این طبقات حاکم و دولتهای آنها هستند که بفر علیه خلق متوسل می شوند و اینها عمال قهر طبقات حاکم است که اعمال قهر متقابل انقلابی را اجتناب

نا پذیر میسازد. برخلاف تمام ادعاهای رژیم جمهوری اسلامی، این رژیم ضد خلقی حاکم بوده است که آغاز جنگ و اعمال قهر علیه کارگران و دهقانان، علیه خلق کرد، ترکمن، عرب و بلوچ بود و امروز نیز این رژیم جمهوری اسلامی است که می کوشد یک جنگ داخلی را بخلق و تحمیل رژیم جمهوری اسلامی در مسیری گام برداشت که بیوضی تشبیه، بیش از پیش موقعیت اش را متزلزل تر نمود. زیرا اگر چه به نیروهای انقلابی ضربه ای هر چند نا چیز وارد آمد و گرچه سیاست سرکوب و ایجاد محیط رعب و وحشت آن توانست افشای موقت در مبارزات آشکارا توده ها پدید آورد، با این وجود بیست فقدان - سوان سیاسی و اقتصادی، بیست فقدان یک ماشین دولتی متمرکز، هماهنگ و منسجم سرکوب که فا در با تدبیر سیستماتیک بفر علیه خلق متوسل شود، موقعیت خود را متزلزل تر نمود. از یکسو بیست فقدان انسجام و هماهنگی در دستگاه بوروکراتیک - نظامی و فقدان نیروهای کارآمد، ضریبات نظامی بر پیچیدگی رژیم از جمله ترور رهبران آن توانسته است در سیاست دولتی حاکم نوعی اختلال ایجاد کند و در همان حال در دل مرتجعین حاکم رعب و هراس پدید آورد و از سوی دیگر بتدریج با عیان شدن ناتوانی روز افزون رژیم، رعب و وحشت اولیه رژیم کار آبی خود را از دست میدهد، چنانچه هم اکنون اخبار و شواهد موجود نشان می دهد که جامعه در - آستانه یک جرخش نوین و مبارزات آشکار توده ای قرار گرفته است.

رژیم جمهوری اسلامی که اکنون بعینه می بیند تا تکنیک اعمال قهر و بتدریج کار آبی خود را از دست میدهد، بحران سیاسی عمیق تری می شود و موقعیت اش متزلزلتر می گردد، در برابر خود هیچگونه راه عقب نشینی را نمی یابد. رژیم مسیری را برگزیده که تمام راههای عقب نشینی آن نیز بسته شد. از این رونیدم سرگ و زندگی را آغاز نموده و در تلاش است که شعله های جنگ داخلی را که پس از قیام بتناوب در اینجا و آنجا فروخته بود، به سرا سر ایران بکشد، اما با زهم این اقدامات هر چند جناحی تکرارانه قادر - نخواهد بود رژیم را از سقوط و نابودی حتمی نجات بخشد. رژیم جمهوری اسلامی قطعاً نسوی ناسودی پیش می رود و لحظات سردشعین کننده هر آن نزدیکتر میگردد.

خونین و پر غرور شهرمان بود که طلوع صبح رهایی کارگران و زحمتکشان را نوبد میدادند. در آن سحرگاه خونین مجاهدین خلق کاظم میرزائی و علی صفوری نیسا و کمونیست بیگا کرگرفرق و ویکتور نیسا دولتشیای به جرم دفاع از مسافع زحمتکشان و آزادی و استقلال کشور و مبارزه کسبی بی امان علیه امپریالیسم جهانی سه سرگردگی آمریکا و با نگاه داخلیش بدست درخیمان رژیم جمهوری اسلامی به حوجه اعدام سربرده شدند و سینه های گرم شان که سرشار از عشق به زحمتکشان بود اما ج -

کلوله های آمریکائی با ساران سرمایه فرار گرفت و خون پاکمان سپیده دممان را گلگون تر کرد. اما ما چنانکه که خلق ایران فرزندان انقلابی و رزمنده بسیار پرورش خواهد داد پس بگذار رژیم هر چند رکسه سخواهد کشتار کند، زندانها را از انقلابیون بینبارد. بیست این اقدامات نتنها مشت شیادان رژیم را از ترور و سواثرشان خواهد ساخت و ما هیت ضد خلقی شان را روشن تر خواهد نمود.

کرمانشاه

رفقای هوادار سازمان در کرمانشاه با انتشار اعلامیه ای در هفدهم مرداد خیر از اعدام اسامی انقلابی در زندان دیزل - آباد کرمانشاه میدهند می نویسند: زحمتکشان آگاه و همشهریان عزیز! ما شلیک کلوله های جلا آن رژیم جمهوری اسلامی در زندان دیزل آباد - سپید دم با نهم مرداد، دشا هدیه خون نشستن ۳ ستاره درخشان در آسمان -

استقلال - کار - مسکن - آزادی

نمونه‌ای از تصادفات بالایی‌ها در روی کارخانه

در هفته دوم مرداد ماه انجمن اسلامی در بخش طی اطلاعاتی به باقی‌مانده در دست ریاست وزارت بهداشت اعتراض کرد، و اعلام کرد که «تاریک‌نمایی و کلبه‌ها فعالیت‌های اداری و رسمی اش تعطیل خواهد بود. این اطلاعات به اطلاع مدیریت کارخانه بی‌جواب نماند. مدیریت طی اطلاعاتی اعلام کرد که در این موقعیت شرایط، مخالفت با وزارت بهداشت است. آنها را خواستن، در جهت منافع آمریکان و یک عمل ضد انقلابی است. در ضمن از منافع وزیر بهداشتی حمایت کرد. انجمن اسلامی مجدداً «در هفته‌های بعد» اطلاعات مدیریت جواب داد و ضمن محکوم کردن مدیریت و غیر مکتبی خواندن منافی بر موضع قبلی خود تعطیل فعالیت‌هایش را پیوسته می‌کند. این درگیری‌ها ادامه پیدا می‌کند، تا اینکه زور مدیریت برانجمن می‌چربد و فرخی رئیس انجمن اسلامی در بخش که گویا سخنگوی انجمن‌های اسلامی داریونی نیز می‌باشد، توسط هیئت مدیره کارخانه به جرم کم‌کاری و ضد انقلابی بودن اخراج می‌شود. بدین‌سبب اخراج فرخی ۱۹۲ انجمن اسلامی طی اطلاعاتی ضمن محکوم کردن اخراج فرخی، او و حمایت می‌کنند. این اطلاعات در جمهوری اسلامی سه‌شنبه سوم شهریور به چاپ می‌رسد. بعد از اخراج فرخی رئیس انجمن اسلامی، انجمن‌ها به‌تنگا پیافاقتاده و با راه افتادن دوربخش‌ها، به‌گدایی امضاء برای بازگرداندن فرخی مزدور به کارخانه می‌پردازند. انجمن‌ها و خائنین سینه‌چاکه - شان، اکثریتی‌ها و توده‌ای‌ها، ورقه‌ها امضاء می‌کنند، ولی کارگران اکثریت از امضاء ورقه خودداری می‌کنند. یکی از کارگران در این رابطه می‌گوید: «اینها هر موقع خوش‌سندت می‌توانند با هم دیگر به سرما می‌زنند، هر موقع هم که دعوایشان بشود، ما را سیریلای خودشان می‌کنند. کارگر دیگری می‌گوید: «چطور وقتی یکی از ما را اخراج می‌کنند، نمی‌آیند امضاء بگیرند، ولی وقتی این آقا را اخراج می‌کنند، او خودش هم هست به‌جانب و جوش افتادند و دوره‌گردی و گدایی امضاء می‌کنند». در این بین، کارگران که از اخراج رئیس مزدور انجمن اسلامی بی‌اندازه خوشحال بودند، اکثریتی‌ها را که ما تمکین به‌سندت می‌کنیم، به‌سندت می‌گیرند. یکی از کارگران عکس بسک قلب شکسته و تیر خورده را کشیده و ضمن نشان دادن به یکی از اکثریتی‌ها، به او می‌گوید: «ببین این قلب توست که شکسته شده»، اکثریتی با کمال تعجب می‌پرسد، چرا؟ کارگر در جواب می‌گوید: «چون فرخی جونت را اخراج کرده و دل تورا شکستند و دیگر دیوار بویج تو هم شکست. بر خورد کارگران با این مسئله نشان از آگاهی رویه افزایش آنها دارد. آنها بخوبی درک کرده‌اند که نه انجمن و نه مدیریت هیچ‌کدام به نفع آنها کار نمی‌کنند، بلکه فقط در درگیری‌هایشان با یکدیگر، از آنها استفاده می‌کنند. کارگران همچنین اکثریتی‌ها و توده‌ای‌های خائن را هم خوب شناخته‌اند و بدترستی با آنها برخورد می‌کنند و آنها را از خود می‌رانند.

اخبار کوتاهی از شرکت واحد

الف - فشارهای اقتصادی - کاهش حق مسکن و اضافه‌کاری
از زمانیکه اعضای شورای مرکزی شرکت واحد دستگیر و روانه زندان‌های رژیم جمهوری اسلامی شده‌اند هر روز مدیریت مکتبی با کمک انجمن اسلامی بخشی از حقوق مسلم کارگران را از آنها می‌رباید. و این وضع در غیاب شورا‌های قبلی همچنان ادامه دارد. اخیراً مدیریت طی بخشنامه‌ای اعلام داشته است حق مسکن افرادی که بیش از ۱۵۰ تومان در روز حقوق دریافت می‌کنند از ۴۰۰ - تومان به ۳۰۰ تومان تقلیل داده - میشود بدین ترتیب ماهیانه ۱۰۰ تومان از حق مسکن کارگران کسر کرده است. در ضمن ۶۰ ریال اضافه دستمزد تصویبی برای کارگران نیز هر چند مقدار ناچیزی است اما هنوز با آنها پرداخت نشده زیرا مدیریت میخواهد بنا به میل خود به برخی ۶۰ ریال و به عده‌ای ۴۰ ریال و به تعدادی نیز ۲۰ ریال اضافه دستمزد بپردازد.

البته این عدالت اسلامی بخوبی نمیتواند نمایانگر مقاصد مدیریت در ایجاد تضامین بین کارگران باشد. زیرا در مورد اضافه‌کاری نیز مدیریت برای سرپرستان خود یعنی رؤسای تعمیرگاه‌ها ۱۰۰ ساعت و معاونین آنها و کارشناسان فنی ۶۰ ساعت اضافه‌کاری پرداخت می‌کنند در صورتیکه برای کارگران بدخواه خود بر حسب ضرورت مکتبی اضافه‌کاری می‌پردازد. در عین حال انجمن اسلامی میکوشد با زور و تهدید، شورای اسلامی درست کند.

ب - امضای اجباری برای شورای اسلامی انجمن اسلامی شرکت واحد برای موجه جلوه دادن اقدامات خود جهت برگزاری



یک انتخابات قلبی و ایجاد شورای اسلامی که مورد تأیید کارگران نیست به زور و تهدید متوسل شده است. بدین ترتیب که اساسی کارکنان را در لیستی با شماره کارگزارت آنها تهیه نموده و تکه‌تکه از آنها امضاء می‌گیرند تا این طومار را به حساب تقاضای کارکنان برای شورای اسلامی بگذارند. در صورتیکه نمایندگان واقعی کارگران هم‌اکنون در زندان‌های رژیم بخاطر دفاع از منافع کارگران به بند کشیده شده‌اند.

ب - اعتراض بخاطر کسری اجباری یک روز حقوق کارگران
هفته گذشته یک روز از حقوق کارگران را بدستور مدیریت برای کمک به زلزله زدگان کسر کرده‌اند. این کار موجب اعتراض شدید کارگران قرار گرفته است. زیرا در شرایط بد و وضع اقتصادی و باگراتی سرما و ورقه‌ها، کسری روز حقوق کارگران برایشان جبران‌ناپذیر خواهد بود. از این رو کارگران بسک تمسیرگاه پیش‌های حقوق خود را به نمایندگی خود ارائه داده و از او میخواهند که حقوق کسر شده به آنها پرداخت گردد. کارگران می‌گویند: ما اگر لازم باشد خودمان به زلزله زدگان کمک خواهیم کرد.

اندام کارگران انقلابی

رژیم جمهوری اسلامی در پی پورش لجام گسیخته به دستاورد های قیام خونین خلق بیش از پیش سیاست سرکوب جنبش کارگری را هر چه گسترده‌تر سازمان داده است. در همین رابطه به شیوه‌های گوناگون اخراج، دستگیری، زندان و حتی اعدام کارگران متوسل شده است اخراج و دستگیری‌های دسته جمعی کارگران در تیرماه و اوج سیاسیافت یافت، پورش به منزل کارگران، دستگیری کارگران - جلوی در کارخانه، دستگیری دسته جمعی کارگران از درون کارخانه‌ها از شیوه‌ها اثر بود که این رژیم بکار گرفته است.

از جمله رژیم جمهوری اسلامی حدود ۳۰۰ تن از کارگران کارخانه پارس - الکتریک را در تیرماه دستگیر کرد. عده زیادی از این کارگران هنوز بعد از گذشت بیش از دو ماه در زندان‌های رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بلاتکلیف بسر می‌برند. عده‌ای از این کارگران از کارخانه اخراج گشته و کار خود را از دست داده‌اند. در هفته‌های گذشته رژیم جمهوری اسلامی دست به عمل وحشیانه و شکنجه

زده است. این رژیم ۶ تن از کارگران این کارخانه را بجرمواهی اعدام نموده است. در میان این کارگران اعدامی، نماینده کارگران در شورای کارخانه نیز حضور داشته است. اعدام این کارگران انقلابی، قسم و نفرت کارگران کارخانه پارس الکتریک را برانگیخت. آری خم و نفرتی که طبقه کارگر ایران را چون فولاد در مبارزاتش آبدیده میکند، طبقه کارگر ایران تا به امروز در راه مبارزه برای رها شدن، خویش قهرمانی‌های فراوانی داشته است و در این میان فرزندان برومندی از طبقه کارگر بدست جلاخان - سرما به خون کشیده شده‌اند.

اما این اعدام‌ها سرکوب‌های خویش طبقه کارگر را از مبارزه با رژیم ابدی و بلکه این طبقه ساکاهای موزون و سنگین خویش به پیش می‌رود و در اتحاد با سایر زحمتکشان خلق را از جنگال خونین رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی رها می‌سازد و سرانجام بیروبرانه‌های رژیم سرما به داری سوسیالیسم را ستا می‌نهد و بساط بهره‌کشی را برای همیشه برخواهد ادا داشت.

افزایش دستمزدها، قطع اضافه‌کاری، استخدام بیکاران



۳ خبر از اسکوئیب

در هفته اول شهریور حدود ۴۵ تا ۵۰ نفر از کارگران یک قسمت، مدت هفت دقیقه به عنوان اعتراض به ندادن کامل پول اضافه کار ریست از کار کشیدند که با مذاخله بلافاصله مسئولین به سرکار ریست گشتند. مسئولین قول دادند که شنبه هفته آینده این پول پرداخت خواهد شد. لازم به تذکر است که مزد ساعت اضافه کاری، چهارونیم ساعت حساب میشود و مدیران فقط پول سه ساعت رایبیه کارگران پرداخت میکنند و کارگران خواهان پرداخت مزد ۱/۵ ساعت باقی مانده بودند. کارگران مبارز اسکوئیب با جدیت موازنه با مبارزات متشکل خود خواهان افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری و استفاده میکاران باشند.

بدنیال تعطیلی رستوران کارخانه در ماه رمضان، کارگران خواهان پرداخت پول ماه اردیبهشتی این مدت میباشند. به ندادن این پول معترض هستند. کارگری میگفت: در کارخانه های دیگر این پول راداده اند ولی اینجا نمیخواهند

این پول را بدهند و می خواهند خودشان این پول را بخورند. کارگر دیگری میگفت: مگر ما گفتیم که رستوران را بسندید. خودشان بستند و حالا لایزیا بسند پولی را بدهند.

رژیم جمهوری اسلامی به یاری نوکرانش در کارخانه ها، حتی از پول یک ماه ناهای کارگران هم نمی گذرند و میخواهند از این طریق نیز کبسه های خود را پرترس نمایند. ولی دیری نخواهد گذشت که کارگران متحد و متشکل در مقابل آسان می باشند و نخواهند گذاشت این چپاولگران به دزدی خود ادامه دهند.

بدنیال اضافه شدن نیم ساعت به ساعت کار کارگران این کارخانه - کارگران شدیداً معترض میباشند. کارگری می گفت: خیلی حقوق درست و حسابی به ما میدهند تا ز ساعت کار را هم اضافه کرده اند. عده ای از کارگران خواهان تعطیل شدن در ساعت بودند که در اینجا انجمن ها این نوکران دولت سر ما به دارا بوجزب رستاخیزی به دفاع از آریایان خود پرداخته و طبق معمول جنگ را بیاهنه قرار داده و میگفتند مکان نادر در این صورت باید پنجاه ساله ها تا ساعت ۱۲ کار کنند. کارگران مبارز اسکوئیب با بد برای ۴۰ ساعت کار در هفته و در روز تعطیلی مسازات متشکل خود را به پیش برند.

اعتصاب بی روزنه کارگران

فیروز

ساعت ۱۱ روز یکشنبه ۸ شهریور کارگران دسته دسته از آنها رخوری بطرف محل کار خود بازمی گشتند. در گوشه ای - ۳۰ - ۲۰ نفر تجمع کرده بودند، عسادی بنظر می رسید. کارگری می پرسید: "چرا در این ماه به روزها حقوق ماکم کرده اند؟" مسئول کارتنس در جواب گفت: "شما میبایست شیبا ساعت ۱۰/۲۵ کارت بزنید اما ۱۰/۱۵ هرتب کارت زده اید." کارگران از این جواب برآفتند، بزومه اعتراض بلند شد. سرعت این خبر در قسمت بخش شد. کارگران میگفتند: مگر آنسی بس نیست که شما هم به هر بهانه از حقوق کم میکنید؟ مگر ما به تعداد دهمین شده بخال رد نمیکنیم؟"

در ابتدا قسمت های شارژینگکمونتاژ و کنترل مرنوبیت دست از کار کشیدند، و مانع از روشن شدن خط مونتاژ شدند. جاسوسان انجمن اسلامی به ننگا بو افتادند. آنان که انتظار این حرکت را از جانب کارگران نداشتند به تفرقه افکنی پرداختند. اما در اثر آگاهی کارگران این اعمال تفرقه افکنانه خنثی شد. در پایان به کارگران وعده داده شد که اگر به سرکار بازگردند، سه روز حقوق کسر شده به آنها باز پرداخت خواهد شد. اما کارگران گول این وعده و وعید را نخوردند و گفتند: تا زمانی که از بلندگو اعلام نشود ما از سرکار باز نخواهند گشت. بالاخره به نیروی اتحاد و مبارزه یکپارچه کارگران کارفرما و انجمن اسلامی مجبور به پذیرش خواسته کارگران گردید و در ساعت ۲/۵ از بلندگوها اعلام شد که خواست کارگران اجرا خواهد شد و به این ترتیب اعتصاب بیامیروزی به پایان رسید.

چند خبر از تولیدارو

در اوایل مرداد ماه یکی از پاسداران رژیم که در یکی از کارخانه های وابسته به گروه سرمایه گذاری البرز (تولیدارو تکنو صنایع، ساپا مید، کیوان، تولی پرس) کار می کرده توسط کارگران انقلابی در سیرون از کارخانه ترور می گردد. هشت مدیره شرکت طی اطلاعیه ای، ضمن محکوم کردن ترور این پاسدار، از اذعان میکند. کارگران که از مجال این پاسدار خوشحال بودند به اطلاعیه مدیریت میخندیدند.

رژیم ضد خلقی و مدیران مزدور باید بدانند که خوانته های خشم انقلابی کارگران در حال شگفتی است و دیگر اطلاعیه ها و سعی در فریبش کارگران، کاری از پیش نمی برد.

کارگران انقلابی تولیدارو بدست پاسداران سرمایه ترور شد.

در پی بمب گذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی و بورش و حشیا به رژیم به کارخانه ها، ادارات، محلات و ... دستگیری و کشتار مردم انقلابی ما، این برنام، هفته دوم تیرماه در کارخانه تولیدارو نیز اجرا شد. رژیم جنابتکار با بورش به این کارخانه حمله کرد. کارگران انقلابی را دستگیر و زندانی کرد. یکی از آنها نام حسن آراهیمی



بعد از سه روز از حادثه در کمیته نعمت - آیداد داشت. هنوز چند روزی از آزادیش نگذشته بود که در خانه ای، واقع در کرج که مورد بیورشی پاسداران سرمایه قرار گرفته بود، شهیدند.

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که مرگ خود را از دیدگی بسندنا آلودن دست خود به خون این کارگران و زحمتکشان انقلابی روز بروز چهره کثیف خود را بیشتر بیسه نمایش میگذارد و پیش از پیش به خشم توده های مردم می افزاید. تجربه های تاریخی و از جمله سرکوش حکومت ناسد نشان داد که رژیمهای متکی به سرنیزه و سرکوب، هر قدر می که در جهت سرکوب گسترده تر مبارزات توده ها سر میدارند بیشتر در سراشیب سقوط سرازیر میشوند.

وزارت نفت

از اقدامات وزیر جدید نفت مهندس غرضی، در عرض مدت کوتاه وزارت ایشان یک سخنرانی در باب آلیشگاه تهران، قطع حق کارگماهی و لغو تعطیل پنج شش ماهه بوده است.

وزیر جدید نفت که در سخنرانی خود در باب آلیشگاه به سوابق درخشان خود در مدت استانی در خوزستان نیز اشاره نموده است. طی سخنرانی وی باخ به سئوالاتی که از سوی کارگران مطرح می شد کینه و نفرت کارگران را نسبت به جمهوری اسلامی دامن زد و در جهت تا مین منافع، هر چه بیشتر کارگران و تا مین رفاه و آسایشی برای آنها نهاد "حق کارگماهی را که تقریباً معادل ۱۰ درصد حقوق ماهانه آنها می شود، قطع نموده و تعطیل روز پنج شنبه را نیز که کارگران با مبارزات دلیرانه خود دست آورده بودند لغو کرده است.

اقدامات بعدی او بنظر قطع ثابت خواهد کرد که او نیز مثل سایر چهره های این رژیم عنصری ضد کارگر و دشمن زحمتکشان ایران است.

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری"

در کارخانه ها برچیده شده و

پرولتاریا و آزادیهای دمکراتیک (۶)

پرولتاریا و متحدانش

پرولتاریا در میان رزات خود بر سر "طبقه سرما به دار" و "تیر ضد حکومت مطلقه" و دیکتاتور، دارای متحدان متفاوتی است. تنها متحد پرولتاریا در میان رزات سوسیالیستی نیمه پرولتاریا و شهر و روستا است. زیرا در میان رزات سوسیالیستی - یعنی میان رزات جهت آنها در رژیم طبقه ای و ایچا دجا مع سوسیالیستی - تنها اقشار روستایی طبقه ای شرکت میکنند که منافع خود را در نا بودی استعمار فرودار و زاهد و تالیسودی ما لکیتی خصوصی برای بزرگ تولید می بینند. تنها کسانی به این میان رزات بر می خیزند که خود مورد استعمار و بهره کشی سرما به قرار دارند. خود نیروی بازویشان را می فروشند و لیدر بزرگ تولیدی را در تملک خصوصی ندارند و از دیگران بهره کشی نمی کنند. فقط پرولتاریا است که دارای چنین مشخصاتی است و نیمه پرولتاریا نیز از این جهت که در مقایسه با نیروی کار خود را می فروشد و خود نیز از نیروی کار بهره کشی نمی کند، در این راه آگاه میزند. پرولتاریا با پیدا شدن سوسیالیستی را به انجام رساند و بدین طریق که توده عوام را به پیوستن برولتاریا و اهلای را بخود ملحق کند تا بتوانند نیروی مقاومت بورژوازی را اجباراً درهم شکنند و تا بیکگیری دهقانان و عوام - بورژوازی را فلج سازد" (لنین - دو تاکتیک سوسیال دمکراسی...)

اما کارگران در میان رزات دمکراتیک تنها می خلق، اما کسی که بر سر رژیم کم و بزرگ تنظیم موجود است به میان رزات انقلابی میزند. بهمانه دارد. در اینجا دیگر فقط پرولتاریا نیست که در نا بودی دیکتاتور دینفع است. تنها می کسانی که ستم دیکتاتور را بدوش خود حس می کنند، دهقانی که در رابطه با خواست جاده ای انقلابی برای روستا در مقابل استانداری مضر و دستگیر میشوند. دانش آموزی که به خاطر طلب رزات جهت کسب آزادی فعالیت صنفی - سیاسی گستاخ میشود، دکمه خاوری که هر روز مورد بیورش قرار دارد، معلمی که بر اثر سیاستهای ارتجاعی رژیم اخراج میشود و آزادی او در سرکلاس پامال میگردد. کارمندی که در محیط کار زیر فشار اخلاق قرار دارد، دانشجوئی که در آزادی خواست با زندگانی دانشگاه، در آزادی خواست دانشگاه شورا، آزادی دومی کشتار میگردد، روشنفکری که کتاب، نوشتجات و نشریاتش تحت سانسور سبیه حق چاپ نمی یابد، توده های بی که در خانه خود نیز امنیت ندارند و تحت شدیدترین سیاستهای اخلاقی خانه گردی، ماشین گردی و خیابان گردی قرار دارند، مردی که فرزندان شان به ملت نگهاری شریه، بیوستریا نوار، بعلت بحث در اتوبوس و تاکسی، بعلت بخش تراکیه و اعلامیه به بهره لنت پوچدیگرا عدم تکثیر میشوند، زندانیان سیاسی که مورد وحشیانه ترین شکنجه ها قرار دارند و ... همه و همه در میان رزات بر سر دیکتاتور دینفعند و از این روستا در این راه متحد پرولتاریا محسوب میشوند.

اما در میان رزات دمکراتیک بیکترین نیروی پرولتاریا است و در این رابطه است که در میان رزات دمکراتیک سنگینترین وظایف

بدوش پرولتاریا و کمونیستها قرار دارد. کمونیستها هرگاه درک درستی از وضعیت و گسترده گی اقتار و طبقات شرکت کننده در میان رزات دمکراتیک داشته باشند بدین درک خواهند نمود که تنها تبلیغ در بین کارگران در میان رزات دمکراتیک کافی نیست، بلکه باید در میان تمامای خلق به تبلیغ برادری، تنها بسیج و تشکیل بخشیدن پرولتاریا و طبقه ما نیست، بلکه باید تمامای خلق را به گرد پرچم پرولتاریا متحد نمود. تومین این قضیه که کارگران در معرض ستم سیاسی قرار گرفته اند، تنها کافی نیست. ... باید در راه هر یک از مظاهر مشخص این ستمگری تبلیغ نمود. ... و چون این ستمگری به طبقات بسیار مختلف جا مع و ازمیاید، چون این ستمگری در شئون بسیار مختلف زندگی و فعالیت، خواه در حیات حرفه ای، خواه کاشوری، خواه شخصی، خواه خانوادگی، خواه مذهبی، خواه علمی و غیره مظاهر میگیرد، در این صورت باید روشن نیست که هرگاه ما سازمان کار افشای همه جانبه حکومت مطلقه را از لحاظ سیاسی بعهده خویش نگیریم و طبقه خود را که بسط و تکامل آگاهی طبقاتی کارگران است انجام ندهد، آیا؟" (لنین - چه باید کرد؟)

باید بیکگیری آهسته توفیق بین ما له برداشت که طبقه کارگر تنها طبقه ای است که زیر فشار رژیم جمهوری اسلامی قرار دارد. دهقانان ایران تحت فشار زندگی طاقت فرسا و بار دیون و قروض خود همواره در خطرنا بودی هستند، توده های خلق زیر بار مالیاتهای سنگین روز افزون، گرانی، تورم، بیکاری، عوارض جنگ و آفات طبیعی و آوارگی کمر خمر کرده اند. فروشنده گان و کسبه خرد، باید که در این دستفروشان در عین اینکه زیر فشار رگوانی و هزینه سرسام آور زندگی دست و پا میزنند و دیوبیکاری همواره تهدیدشان میکند مورد بیورش دانشی نیروهای سرکوبگر رژیم قرار داده اند. کارمندان جزا ادارات همواره در معرض اخراج و بیکاری ریند و در عین حال دائما از حقوق و مزایای شان کاسته میشود و محیط اخلاقی ادارات هر گونه آزادی آنان را سلب کرده است. سر بازان و درجه داران جزا فرماندهان و در زیر بیرون نظام اطاعت کور - کورانه دست و پا میزنند و به "برکت جنگ" "نظم شنین" و تشبیهات آریا مهری نیز هر چه سریعتر در حال رشد و شکل گیری است. روشنفکران، دانشمندان، استادان و ... شدت مورد سرکوب و تحقیر قرار دارند. تعطیل دانشگاهها، مدها هزار دانشجو را آواره و بیلتکلیف کرده است. سیاستهای ضد علمی و ارتجاعی رژیم کم بردوش همه تحصیل کردگان و روشنفکران فشار میآورد. دانش آموزان زیر فشار رفتیش عقاباید اخراج و سرکوب قرار دارند و در حاکمیت حق هر گونه فعالیت صنفی - سیاسی را از آنان سلب نموده است. دروسی ارتجاعی با سر جاست و کوچکترین اعتراضی با سرکوب - مقابله میشود. زنان در شدیدترین فشارها و تحقیرها قرار گرفته اند، حقوق نا برابر اجتماعی، مزد کمتر برای کار یکسان بسا

مقاومت روستائیان

در برابر زورگوییهای رژیم

خوش نشینان و کشا ورزان کمزبین روستا های کیوتان، قشلاق، بهیر محمد، چنگیزه و کشکیموسفلی و اقوام روستایی در شهر بوسا ۵۹۱ زمینهای مالکین و فئودالهای منطقه را مماندره و تقسیم کردند. (هیشت هفت نفره) نیز با توجه به شرایط ویژه این منطقه، مجبور شد بطور ضمنی این حرکت را تائید کنند.

بعدا از شروع جنگ ارتجاعی و غیر عادلانه بین دولتهای ایران و عراق، مالکین این روستا ها که جها شاه، محمود و بهمن امیری بیگوند بودند، به بهانه بسیج عشا بر منطقه، تعدادی پاسدار در روستای کیوتان مستقر کردند و ولی با مانه ها تعداد دهقانان را از تصمیم خود مینوی بر تصرف مجدد زمینها منصرف شده و روستا را ترک کردند. اما دست از دسیسه چینی و توطئه برنداشتند. در اوایل سال جاری، با دگانه انقلاب اسلامی که مالکین احکامی مبنی بر استرداد زمینها به مالکین ما در کرد. از این میان، جها شاه با حمایت پاسداران سرما به، توانست زمینهای خود را پس بگیرد. اما اهلای روستا های دیگر در مقابل این اقدام ضد خلقی رژیم مقاومت کردند. اخیرا "دادگاه" از طریق دیگری به فکر تائید منافع زمینداران افتاد و از دهقانان خواست است به مالکین بهره - مالکان بهره دار زند. دهقانان روستا های مذکور همپیمان به مقاومت خود در مقابل - زورگویی های رژیم ادامه می دهند.

مردان، عدم وجود حق انتخاب شغل، حساب اجباری، نابرابری های حقوقی، حق طلاق یکجانبه برای مردان و سایر سیاستهای ارتجاعی حاکمیت آنها را شدت تحت فشار قرار داده است. خلقهای ایران که سالها برای کسب حق تعیین سرنوشت خویش مبارزه کرده اند هنوز زیر ستم مضاعف قرار دارند و اکنون شدت کشتار میشوند، خلق مبارز که زیر سبب وراکت زندگی میکنند و به همراه خلق عرب، ترکمن، بلوچ، ترک و سایر خلقهای ایران حتی از ابتدائی ترین حقوق خویش چون حق تحصیل به زبان مادری محرومند، اقلیتهای مذهبی شدیدترین فشارها را تحت سیاستهای ارتجاعی رژیم تحمل می کنند آنها شدت در سخرانها و نطقها تحقیر میشوند، حق داشتن مدارس ویژه از آنان سلب شده، در ادارات موارد متعددی از تصفیه آنان دیده میشود، در آگاهی سیاسی استفاده می شرط مسلم بودن حق انتخاب آزاد شغل را از آنان سلب کرده، در عین حال که مجلس ارتجاعی نیز رسماً "قوانینی بر ضد آنان می گذراند و هر گونه حق برابر بر سلب شده است. ...

تنامی این اقتار و طبقات که تحت فشار رژیم جمهوری اسلامی قرار دارند متحدان پرولتاریا در میان رزات دمکراتیک هستند و در نتیجه وظیفه سازماندهی آنان حول پرچم طبقه کارگر بر عهده ما است. در مطلقه (یعنان حکومت دیکتاتور جمهوری اسلامی) را از لحاظ سیاسی بعهده خویش نگیریم و طبقه خود را که بسط و تکامل آگاهی طبقاتی کارگران است، انجام ندهد، آیا؟

اداره دار

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر ریشتر مبارزات
ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

“ارگان” سازمانی و نقش آن (۳)

مبارزات خود را حول ارگان سازمان - نشریه - سازمان دهم

به این جنبه مسأله بهایی داده و به آن - برداشته است اما نشریه کار در این مورد کوتاه است و بهیچ عنوان در حدتوان موجود در حدتوانها و جنبشش نقش خود را در این رابطه با نکرده است که از میدانوریم بنویسند سرعت این نقیصه را برطرف سازیم.

ب: نقش سازمان دهنده ارگان بعنوان محور فعالیتها و تشکیلات:

وجه دیگر نقش ارگان در رابطه با سازمان دهنده است که میتوان گفت تکمیل تمام وظایف ارگان است و بدون شکل گیری آن سازمانی باقی نماند و بهیچ وجه نمیتواند بهیچ عنوان معنی این سخن چیست؟

اینکه که با نقش ارگان بعنوان مبلغ و مروج آشنا شده ایم بخوبی میتوان این وجه مسأله را شناخت. مختصراً میتوان گفت نشریه با بدستگیری و توزیع خود در این رابطه بسیار با سازمان دهنده وجود دارد. اولاً هیچکدام از دو اثر تهیه و توزیع بدون یکدیگر معنی نمی یابند. مثلاً نشریه هر چند خوب و غنی و پرمحتوا تنها هنگامی که در دست عملی خود را مینماید بدست کارگران و زحمتمندان و بدست خوانندگان برسد. ثانیاً تا بدرد ذهن خواننده خطور نکند که مسأله چندان مهمی نیست تهیه نشریه را هیئت تحریریه بعهده دارد و توزیع آن نیز توسط بخش دیگری انجام میگردد. و در نتیجه سازمان لازم برای ارگان در همین دو بخش خلاصه میگردد و ارگان نیز با این وجه از نقش سازمان دهنده خود را با بدست بروری این دو بخش متمرکز سازد. روشن است که این تصور باطل و خطاست.

ثالثاً تشکیلات، تا آخرین رفیق و تا آخرین هسته و تشکیلات سازمانی را تشکیل میدهند - با بدست - که تهیه و توزیع نشریه ارگان را برعهده دارد.

از اقسام و طبقات مختلف خلق دیگر توهمی نسبت به رژیم ندارند، در زمانی که کشتارها و سرکوبهای رژیم خواسته شده است دیکرا تیک توده ها را در وجه نخست قرار داده است. نقش سازمانها و پیروان رابطه با سازمان دهنده تشکیلات و سازمانهای دیکرا تیک بسیار خطرناک است و در این شرایط نبود تجربه میسر است زیرا دیکرا تیک و تشکیلات سازمانها را دیکرا تیک ضربات حیرانناپذیری بر پیکر جنبش زده است که مسلماً نشانه و آن خطرات بزرگی برای تشکیلات و مبارزات توده ها و انقلاب در پی خواهد داشت. در این شرایط نشریه نقش بسیار مهمی در تثبیت و گسترش اصول سازمانها و دیکرا تیک و مبارزات دیکرا تیک توده ها بر روشنی مشخص میگردد.

بهر رو بقبول کمترین این هدف روزنامه ما میباید شد که تجربیات کارکنان ارگان را جمع آوری کند و آنها را برای رفقا بماند بازگو نماید تا مثل یک راهنما بیوسه با عت تجدیدنظر و بهبود روش کارهای کمونیستی باشد. بدین طریق روزنامه بهترین وسیله سازمان دهنده در کار انقلاب ما خواهد بود. (اصول تشکیلات - حزب - کمینترن) سازمان از ابتدای جدایی تشکیلات و پالایش سازمانی خود در جهت تحقق بخشیدن به این نقش ارگان سازمانی - نشریه کار را حرکت کرد. سری مقالات تحت عنوان "سازمانها و دیکرا تیک توده ای" و همچنین مقالاتی چون "پیرامون کار مخفی و غنی" و "در باره صندوق بیگانه" و "وظایف تئوریک سازمان دهنده" و "سازمانها و دیکرا تیک و بسیاری از رهنمودها و سازمانی در این جهت بوده است. همچنین بخش کارگری نشریه کارگوشیده است تا تجارب حاصل در مبارزات کارگران را جمع بندی نموده در سطح جنبش ارائه دهد. سری مقالات بررسی مختصری از جنبش کارگری در دو - سه سال اخیر بررسی جنبش کارگری در شمال گذشته و تا بر ممالک، در خدمت است اما سر بوده است. اما با بدست دادن کارگر در سطح جنبش کمتری سازمانها و گروه دیگری

ارگان سازمان دهنده یکی از پراهمیت ترین وظایف ارگان که کمتری آن پراخته شده است (و میشود) نقش ارگان بعنوان - سازمان دهنده است. به همین علت نیز سعی کنیم بشکلی مفصلتر این جنبه را بررسی کنیم. نقش ارگان در رابطه با سازمان دهنده تشکیلات را میتوان به دو وجه متمایز تقسیم نمود. الف: انتقال تجارب عملی و از آن رهنمودهای تئوریک در رابطه با سازمانها. ارگان بنویسند نقش موثری در این رابطه ایفا کند. عدم درک این وظیفه حساس و پراهمیت ارگان (که متأسفانه در سطح جنبش با آن مواجهم) در حداقل زبان خود به هدورفتن نیروهای جنبش میانجامد.

تشکیل یک صندوق اعتبار در یک کارخانه (و یا صندوق بیگاری) در شرایط فعلی در عین ضرورت مبرم خطرات بسیاری را در رابطه با کارگران پیش و در بردارده که در بسیاری اوقات ممکن است به تعطل ضربات از سوی پلیس میانجامد. حال در چنین شرایطی هرگاه ارگان نقش خود را در هدایت سازمان دهنده تشکیلات صندوق - ارگان بنویسند تئوریک لازم در این جهت، ارائه تجارب عملی موجود در این باره و ... ایفا نکنند روشن است که نمیتوان سخن از ارگان سازمان دهنده بر زبان آورد. پس در بردن تشکیلات از زیر پرورش فاشیستی رژیم (که اکثر سازمانها حداقل در چشم انداز نزدیک خود آنرا نمی دیدند و در نتیجه در مقابل آن آماده نیستند) مسلماً احتیاج به پیشنهاد تجربی وسیع و احاطه تئوریک و عملی بر اصول سازمان دهنده دارد. در این شرایط مسلماً است بسیاری از گروهها و سازمانهای موجود در سطح جنبش قادر نیستند به تنهایی عمل حفظ تشکیلات خود را به پیش برند. تجربه عملی لازم را ندارند، یا به اصول سازمان دهنده آشنا نیستند. در این رابطه هرگاه ارگان نقش خود را در انتقال تجربیات و تئوریک تشکیلات ایفا ننماید مسلماً پلیس به "طعمه های خوبی" دست خواهد یافت. در شرایطی که توده های سیاسی

ادامه دارد

مردم چه میگویند؟ مردم چه میخواهند؟

به محض اینکه از رنده های بیرون پریدم اتوبوس دو طبقه ای رسیده است تا آن دادم ایستاد و وقتی سوار شدم مرا ندیده که فهمیده بودم از یادگان قرار گرفته ام. حالتی رضایت آمیز پرسید "مرا برگرد" گفتم "آره، آدمم ببینم بیرون چه خبره" گفت مگر شما بیرون نمی آید؟ گفتم، زیاده دسی گذازند و - ادا نمیدادم "در باره دکانها که وضع شده مثل چهارراه صدق هر دو روز یکبار اعلامیه بخت میکنند، بر سطل انقلابی، مجاهدین، با رضایت بیشتری خندید و گفت "بیرون هم همه ناراضی هستند. من خودم اهل شمال و همین الان دوتا ازبیرا درها بدم درگاه -

ادم روشن نمیشه حرف هم بزنی اخراج دیکه همه مردم به تنگ آمدن و هر کس هم خودش رو ظاهری طرفدار نشون میده برای اینکه که میترسه "گفتم" آره ما در منظم وقتی میرم پهلوش بهم میگه مردم ظاهری خودش را طرفدار نشان میدهند و مثلاً زبون شاه تو هم جدا قل ظاهری باش که کاریت نداشته باشی و وقتی یک زن خانه دار را این حرف را بزند دیگر خودت بسین چه خبره "را شنده که از تاشد حرفش خوشحال بنظر می آید گفت "من از وقتی اینها او میدنند نماز و رو هم ترک کرده ام زدم میگویم تو چرا نماز نمی خونی میگه اگر تا پامان اینه مسی نماز نمی خوانم بهشت هم مال خودتون و سپس ادا نمیدهد که "من با این بسی صاحب موند (اشاره به اتوبوس) از صبح تا حالا زده ساعت کار کردم. صبح که آمدم ۲۰ دقیقه در صفحه ۱۳

بهداشت و درمان رایگان برای زحمتگشان تامین باید گردد



خمینی چه گفت؟ خمینی چه کرد؟

در سری مقالاتی تحت عنوان "خمینی چه گفت؟ خمینی چه کرد؟" دیدیم که چگونه شما می‌وعدده‌هایی که خمینی قبل از قبضه قدرت می‌داد پس از رسیدن او به حکومت نقش بر آب شد. کلاً چنین تناقضاتی در - سرافکندارانه و شگفت‌انگیز است پس از آنکه هرگز به "حضورش شرفیاء" می‌شود تبدیل به "ستون انقلاب" می‌گردد و پس از آنکه از آنجا رفت دیگران و دیگران را می‌نقش را می‌بند - اما در عمل تنها شما پیداداران با زارند که ستونهای واقعی انقلابند! ستونی که قبل از قیام با کمکیهای مالی چند میلیون خود "رهبری خمینی" را - با ساری کرد و پس از قیام با دشمنان ۱۲۰ میلیون ردتومان می‌گرفت - هرگاه بخواهیم شما می‌توانستید "خلف وعده‌ها و کلا" - خیانت‌های خمینی را از میان سخنانش بیرون آوریم "مثنوی ۷۰" که گذشت - فرا موش‌نکرده‌ها هم خمینی هم او در دقعات متعدد قبل از کسب قدرت وعده - مجلس موسسان را می‌داد و حتی در کسب با زرگان برای نخستین و نیز با جمله وظایف دولت موقت تشکیل مجلس موسسان آمده بود اما پس از کسب قدرت این مجلس جای خود را به مجلس فرمایشی خیرگان داد و ۲۲ مهر ماه ۵۸ می‌گفت "ابتدا فکرمی کردند که ما بعضی از این اشخاص را نمی‌شناسیم شروع کردند تا جمع چه چند نفری که بیست سال من با آنها آشنا بودم مثل آقای یزدی، آقای بنی صدر، آقای قطب زاده، اینها هم سال در خارج خدمت می‌کردند و رژیم عمل کردند - به مجرد اینکه اینها آمدند گفتند "امریکا - بی‌سند نسبت به آقای یزدی گفتند مگر فراموشی هم بلد است حالا از این گروه - یک قدری آنها مات است شده افتاده اند بجان یک دسته دیگر..." و بعد از خلع ید از بنی صدر دعا کرد که با بر قدرتها بنی صدر را برای ملت تراشیده اند. خمینی فراموش کرد که تنها بر قدرتی که بنی‌هدروبا هسر رئیس جمهور دیگران در تصویب نهایی برای ملت تراشیده بودا بوده است.

بهر رویدیدیم که چگونه وعده‌های خمینی، وعده‌هایی که در زمان خودش یعنی پیش از قیام شکوهت خلق و در زمان رژیم سلطنتی گوشه‌ها بی‌ارزش و استهای خلق را بهمان می‌کرد وعده‌هایی که دیگران پس از تجربه قیام می‌آز تجربه شرایط نیمه‌دمکراتیک پس از تجربه شورا و... کلاً پس از افزون شدن ۷۵٪ مال بر تجارت عملی خلق بسیار عقب افتاده و درنگ بریده مینماید و بهیچ روی در حد خواسته‌های خلق نیست، شما ملت نقش بر آب شد. خمینی که در دوران اختناق و شرایط سیاه دیکتاتوری پس از آنکه با طریقت به شاه تمسیدند، شیوه منفعل سیاست را پیشه کردند پس از او جگرهای مبارزات توده‌ها بعلل گوناگونی - که ما با رهسا و از جمله در تبرید خلق شما ره آنها را بر نمردیم - توانست بر مومچیا زرات توده - ها سوار گردد و در نقش "رهبری جنبش به طریقت از خواسته‌های توده‌ها برخاست اما همواره سعی داشت جنبش را بشکلی کنترل شده حفظ نماید. و در سیاست ری‌مواقع

خمینی از رهبر توده‌ها تا جلا د توده‌ها

نمایان

قا‌شها بی‌افرینند و از کشته‌پشته‌ها زنده خمینی بعنوان "رهبر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی" تا شیدگشده‌ها می‌ساخته‌های سرکوبگرانه و ضد خلقی رژیم بوده است و در شما می‌مقاوم‌ها پس با میدان شما ده و کفه توهم توده‌ها را به سورد رژیم جانتا ر جمهوری اسلامی سنگین کرده است.

بهر صورت می‌آز ره طیفی و او جگرهای آن حتی خمینی را نیز که همواره سعی داشت‌ها له مقدس خود را حفظ کند و داشت تا برده‌ها را بکشد و برزند و چهره واقعی خود را بنمایاند. خمینی اینک رهبری ساواکی را بعهده‌دارانگه از مزدوران سیا و بسیج و حزب الهی تشکیل شده، خمینی اینک توده‌ها را به‌جا سوسی انقلابیان و ما در آن راه معرفی فرزندان نشان به دژ خیانت فرا می‌خواند، خمینی اینک می‌کوشد توده‌های به‌تنگ آمده زکرا نی و فقرو فلاکت را به نخوردن "برتقال و خربزه" وقتاعت کردن در مقابل فقر و فلاکت سرما به‌داری عادت دهد. او اینک در نقش بزرگ ارتشداران فرماندهی کل نیرو - های سرکوبگر را بعهده‌دارد و شما می‌کشتار - ها و سرکوبها را رهبری میکند و بالاخره خمینی اینک در زیر لوای مذهب مشولیت مستقیم اعدا جوانان، زنان، کودکان،

انقلابیان، کارگران و شما می‌رزمندگان را بعهده‌دارد. خمینی اینک با به‌هسای تخت حکمروایی خود را بر خون هزاران تن از توده‌های خلق و انقلابیان فرار داده است اینک از جنگال خمینی خون می‌جکد خونی که نه تنها خود او، بلکه شما می‌رژیم جمهوری اسلامی را نیز در خود غرق خواهد ساخت.

خمینی با سرعنی وصف نا پذیر فراموش طولانی موجود بین یک رهبر "توده‌ها تا یک جلا د خلقها را طی نمود و خوبی نشان داد هر چه در نقش اول ضعف داشت و لنگان - لنگان با رش را بدوش میکشید بر نقش اخیر خود بخوبی قار است و بد رستی میتوانند نقشی را که صحنه گردانان رژیم پهنسار بر عهده‌اش نهاده اند ایفا کنند.

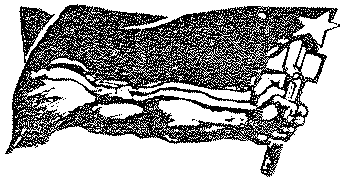
اما توده‌ها نیز از سوسی روز بروز بیشتر به نقش و قدرت دورا نشان و تاریخی خود واقف میشوند و از سوی دیگر پیش از هسر کس و بنهترا زهر شخمت تاریخی قادرند نقش خود را بخوبی ایفا کنند، نقشی که اولین کام آن سرنگونی رژیم سفاک جمهوری اسلامی است. پایان

برشعه‌های ختم خلق مها رفیزد و ترا از حرکت با ز می‌دانت. فرا موش نکرده‌ها - شما را که حتی "کمونستی بود" و توده‌ها توسط - رهبری از دادن آن منع میشدند و فرا موش نکرده‌ها می‌که چگونه در او چکشتا ر خلق توسط ارتش جلا د، خمینی شما را "ارتش برادرانست" و "گل در مقابل گلوله" را می‌داد و بدین - طریق توده‌ها را از شناخت ما هیت واقعی و سرکوبگرانه ارتش آریا مهری با زمیندانت و دستگا‌های سرکوب سرما به‌داری را - محافطت میکرد. اما بهرحال در آن شرایط خمینی بعلمت اعمال اتوریته وسیع و سیاسی، با فشاری کامل بر رفتن شاه و نای بودی - سلطنت در جهت مبارزات توده‌ها کامیاب - می‌دانت.

اما در چند ماه آخر قبل از قیام دیگر خمینی یعنی "رهبر" جنبش بدنیال توده - ها می‌دود! تا شاید بتواند کنترلشان کند. دیگر این توده‌ها بودند که حرکت می‌کردند و اعلامیه‌های خمینی در پس آنان می‌آمد. پس از رفتن شاه آیت‌الله آرزوی دیرینه خود را تحقق یافته و قدرت را در کف دید. مقابلها بختیار را "این نوکری اختیار" که رئیس شورا ی سلطنتش به یک اشاره با سر به یاریس دودید نقد رسا ده مینمود که

دیگری توده‌ها نیز ای شید. در اینجا بود که خمینی با سیاستی "گام به گام" مقابل توده‌ها ایستاد.

خمینی که دیگر قدرت را در دوقدمی خود میدید هرگز حاضر نشد حکم جهاد دهد و دیگر حتی فریادهای توده‌ها نیز که در کوه و - خیابان شما می‌دادند "رهبران ما را - مسلح کنید" نمی‌شنود خمینی را گامی دیگری پیش را ند. خمینی تا آخرین نقطه ممکن به همراهمردم آمد. تا سرنگونی شاه. اما توده‌ها برخلاف خمینی به وعده خود عمل کردند آنان که فریاد میکشیدند "مشت گره کرده ما فردا مسلسل میشود" در ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه علیه رژیم خواست و تلاش "رهبری وعده خود را با اجرا آوردند و این در شرایطی بود که خمینی هنوز "فتوا" می‌داد "نداده بود. اما خمینی هم‌بیکار رشتست و بسرعت با اسلامی اعلام کردن ارتش انرا از زیر ضرب خارج کرد و شاه را مشین دولتی ضربه خورد و بورژوازی را بشکلی نیمه‌جان از زیر غریبات فخر خلق بیرون کشید و نجات داد. از این پس خمینی تنها در جهت ترمیم و بازسازی هر چه سر بعترا این ماشین کوشید. از کارگران خواست که اعتصابات خود را بدون تحقق خواسته‌ها نشان بکنند، - فرماندهان مزدوری را که با زرگان بر سر پستها تنها دتا شید کرد و زمینها را برای سرکوب هر چه سر بعترا مبارزات خلق آماده ساخت. از این پس دیگر کارتا من تنگین عمل - کرده‌ای خمینی تنها با او را قی از خون خلقها رقم زده شده است. خمینی که هرگز حاضر نشد در مقابل ارتش آمریکا بی‌حکم جهاد دهد، در مقابل خلق قهرمان کرده‌ای ارتش آمریکا بی‌حکم جهاد داد. خمینی حکم جهاد داد تا سیا به‌سای سداران، کمیته‌جهاد و سایر نیروهای سرکوبگر را تنها و ایندر



سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

ورژنکستگی سیاست خارجی رژیم جمهوری اسلامی

جز حرف برای جنبش فلسطین کاری نکنند، ولی سیاستی از توده‌های عرب چنین تصور می‌کردند که این رژیم می‌بیشتر با خلق فلسطین است. اما اکنون با گذشت زمان و افشای روزافزون سیاستهای رژیم همین رژیم همه به ما چیت ادعا‌های رژیم جمهوری اسلامی بی‌هردها شده. اکنون توده‌های عرب، از جمله جنبش فلسطین درک کرده - اند که رژیم جمهوری اسلامی همانند رژیم صهیونیستی اسرائیل یکی از ارتجاعی - ترین رژیمهای منطقه و دشمن سرسخت نیروهای انقلابی و مترقی است. موضوعی که خصمانه این رژیم را از آغاز بقدرت رسیدنش علیه دولت لیبی برکنی پوشیده نیست و در لبنان، مدافع پیشتیبان یکی از ارتجاعی ترین سازمانها که دروا بستگیاش به آمریکا کمترین تردیدی وجود ندارد یعنی جنبش ملی است. جنبشی که هم اکنون علیه نیروهای مترقی لبنان و دولت لیبی در حال مبارزه است. در چنین شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی شاد هیستی اعتباری روزافزون سیاستهای خود در سطح جهان بویژه در منطقه است، به منظور تحریف افکار عمومی جهان از مسئله خرید سلاحها از اسرائیل به عوام فریبی تازه ای متوسل شده و پیشینه‌ها و تشکیلات یک جبهه اسلامی در جهت با صلح کار مبارزه با اسرائیل را نموده است. اما کار رسوائی سیاست خارجی رژیم از آن حد گذشته است که نتوانند با این حیلها دوباره برای خود حیثیتی کاذب کند و مطمئناً طرح جبهه اسلامی شان نیز از هم اکنون با شکست روبرو شده است. سیاست دروغ و فریب نمیتواند برای همیشه واقعیات را کتمان سازد. رژیم جمهوری اسلامی خرید سلاحها و تجهیزات دیگری را از اسرائیل نگردد، اما این نکتذیب نه تنها نتوانست توده‌های مردم را فریب دهد، بلکه با لعن عوام فریبی آنها را افشا کرد. زیرا مردم سرانجام از این توده‌های عرب متوال می‌کنند، بالاخره چه کسی قطعات بدکی فانتومها، تانکها، وسایل مخابراتی و الکترونیک ارتش ایران را در اختیار آن قرار میدهد؟ آمریکا یا اسرائیل؟ هم‌انگونه که امروز سیاستهای ارتجاعی رژیم در داخل برای بسیاری از توده‌های مردم ما افشا شده است، در سطح جهان و در سیاست خارجی نیز این سیاستها افشا شده است و نمیتوان گفت که رژیم در سیاستهای خارجی خود دچار ورژنکستگی کامل شده و دست و پا زدنهای بیپوده‌اش - به‌خوفا در نیست و رنگستکی سیاست خارجی این رژیم را جبران کند.

انتشار خبر مربوط به خرید سلاحها از اسرائیل موجب نفرت و انزجار از رژیم جمهوری اسلامی را در میان توده‌های عرب و دوستها و ساکنانهای انقلابی و مترقی منطقه برانگیخت. پس از سرنگونی هوا پیمایان اسرائیلی که حامل سلاحها از اسرائیل با بران بود و سپس افشای اسناد مربوط به خرید سلاحهای اسرائیلی از طریق واسطه‌ها و دلالت این اسناد المللی دیگر کمتر تردیدی باقی مانده است که رژیم ضد خلقی و ارتجاعی جمهوری اسلامی علیرغم تمام هیوا ادعاهای به اصطلاحاً خدا میریالیستی - ضد صهیونیستی در عمل در کتا را میریالیسم صهیونیسم بین المللی قرار گرفته و سمدلتی را در راه اهداف ضد خلقی اش توسل به هر وسیله‌ای را مجاز دانسته و حتی مبارزات نه‌هرسند سلاحها را اسرائیل نموده است. البته انتشار این خبر و اخبار مشابه آن به‌خوچه تشعبات و رسیتهات، بر اساسات و سیاست خارجی یک دولت ادا می‌سازد و نتایج داخلی آن و مجموع عملکردهای درونی آن است. پس چه‌های شخصیات رژیم که در سیاست داخلی خود ارتجاعی ترین سیاستها را در پیش گرفته‌اند و بیشتر بدست می‌زبان یا انقلابی ترین نیروهای جامعه از خود نشان می‌دهد، رژیم می‌خواهد با سوی بخش مرون وسطائی سوق داده است، رژیم می‌خواهد دست‌ها بینکارترین حکومتها را در پیش بگیرد. رژیم می‌خواهد با دولتهای انقلابی و مترقی جهان را آشکارا دشمنی می‌ورزد و در افغانستان و لبنان و عراق و ترکیه از مرتجع ترین نیروها حمایت و پشتیبانی می‌کند، از ارتجاعی ترین دولت منطقه یعنی اسرائیل اسلحه خریداری می‌نماید. تجربه خیر مربوط به خرید سلاحها از اسرائیل تنها جزئی از سیاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی محسوب نمیشود و برای بسیاری از نیروهای آگاه ایران و جهان روشن است که رژیم بهترین مناسبات اقتصادی را با دولت - امیرالیستی دارد و هر چند روز یکبار رکنی‌های حامل اسلحه و مهمات بویژه قطعات بدکی هوا پیمایان اسرائیلی بویژه بمبفکند بندر خمینی در حرکت اند. اما انتشار این خبر در جهت افشای ماهیت ضد انقلابی و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی در میان توده‌های عرب منطقه بویژه خلق قهرمان فلسطین تمام ادعاها و عوام فریبی‌های رژیم را نقش بر آب کرده است. رژیم جمهوری اسلامی مدتها عوام فریبانه تلاش می‌کرده خود را یگانگانه‌ترین متحد صهیونیسم بین المللی خلق فلسطین جایزند. کج‌جلی همین مدت چیزی جز جاسوسی و سرکوب‌های انقلابی و توده‌های مردم نیست، اما توده‌های مردم علاوه بر اینکه در طول ۷/۵ سال پس از فتنه همواره آنها هدا سگوند و حیاط و تفسیرات بوده‌اند، اکنون نحوی درباره - اند که هرگاه ما منع طبقاتی حزب جمهوری اسلامی مانع ما را از آن تاخیر نماند و مکتوبان اعتراض کند، احکام مودسورات مذهبی نیز بهمان گونه به‌سر و جسته می‌

مذهب در خدمت منافع طبقاتی

بدن سال سرکوبهای وحشیانه بوده است رژیم جمهوری اسلامی علیه نیروهای انقلابی در دو ماه اخیر و بدست آید دستگیریهایی، شکنجه‌ها، کشتارها و اعدا سهای بی‌پایه که بدست ارگانهای سرکوب رژیم، از جمله کمیته‌ها، پاسداران، بسیج و ساوا (ساواک رژیم) - صورت گرفت. رژیم موفق شد آنگونه که تصور میکرد ضربات اساسی بر بیکر زمانهای انقلابی وارد سازد، لذا با زهم سرانجام حربه مذهب رفت و خمینی این مبلغ سیاستهای جانستکارانه حزب جمهوری اسلامی فتوای جاسوسی ما در کرد تا شاید عقب مانده ترین و با آگامترین توده‌ها را از این طریق بفریب دهد و اسفاده از احساسات مذهبی و اعتقادات این بخش از مردم، نقشه سوم حزب را که همه ما تا سالی و دستگیرهای انقلابی جان برکف است به اجرا در آورد. از این رهگذر جناح رکنی ساوا ظریاً سوده سواتند سودهای کلان بحیث زینت و توده‌های محروم و ستمدیده خلق را بیشتر استثمار کند.

اما این جنبه فسمنی از نوطه بود. هدف دیگر اس فتوا نیست که منافع اعمال - جناح ساوا را سرکوبگران خلق موجه جلوه کند و خمینی و نمودن که مردم انقلابیون را معرفی می‌کنند! و حال آنکه کیست که نتواند مردم مورد نظر رژیم و پاسک کمیته‌ها، سخی‌ها و پاسداران آنده که در محلات مختلف در جریان ۲۲مین انقلابیون را به دلیل فعالیت و سعادتشان شناخته‌اند و واسنگی‌های سازمانیشان آنکار کشته‌اند و اکنون بنا بر مردم بدستگیری مبارزین مبارزات می‌ورزند.

اما این فتوا از سوی محافل مذهبی مترقی لبنان به دستور صدام و قرائن لطفی شد و جنس عوان گردید که در قرآن هرگونه نجس و جاسوسی ممنوع اعلام شده است و پانرسیت در هفت گزشتنه مجدداً "بیت الله خمینی و اردمخته شد تا فتوای خود را تغییر و تفسیر کند و از این اسلام منطبق نماید" اما از آنجا که مردم هنوز گرفتار او را دربارین و قیل از انقلاب بسیار داند و رندکسه گفته بود ساواک با بدبرجیده شود، در تغییر و تفسیر فتوای جاسوسی اعلام کرده که هرگونه جاسوسی در قرآن تقصیه نمی‌شود. بلکه اگر جاسوسی بنبغ اسلام باشد گناهنا و احب و ضروری است و بسیار است دیگر ساواک و ساواکی در رژیم ما مردود است اما در رژیم جمهوری اسلامی مورد تأیید می‌باشد و "ساواک" باید تقویت هم بشود و مردم هم همه با بد جاسوس باشند چون جاسوسی مردم بنبغ مردم و اسلام است. متعاقب آن مشکلی اما مجمع هم بیز روز جمعه گذشته در قم طی سخنانی همین جملات را مطرح نمود تا شد قرائن داد. اما حاصل این محضات زبانی مردم چه بود؟ اگر مردم را در چهارچوب نیروهای متشکل در بسیج و کمیته‌ها و سپاه پاسداران و خانوادها پیشان خلاصه کنیم همچنانکه رژیم چنین میکند طبقاً "میتوان گفت مردم رژیم جمهوری اسلامی به فتوا عمل کردند چرا که اساطیر و وظیفه آنان در قبال حقوقی و مستمری که در یافت می‌دارند

شود و از همین روست که دیگر فریب این روحیان را نمی‌خورند و هیچگاه به همکاران جاسوسی برای رژیم فریب و نیرنگین در نمی‌دهند چرا که ما می‌توانیم دستورات را در شرحه روزانه خود ما بر ما منع واقعی حوسن می‌سند. مردم بانک تشخیص می‌دهند که چه کسی می‌تواند آنها را چه کسی دستان مردم اند و از پیش هرگونه جاسوسی را محکوم می‌کنند.

چیزی جز جاسوسی و سرکوب‌های انقلابی و توده‌های مردم نیست، اما توده‌های مردم علاوه بر اینکه در طول ۷/۵ سال پس از فتنه همواره آنها هدا سگوند و حیاط و تفسیرات بوده‌اند، اکنون نحوی درباره - اند که هرگاه ما منع طبقاتی حزب جمهوری اسلامی مانع ما را از آن تاخیر نماند و مکتوبان اعتراض کند، احکام مودسورات مذهبی نیز بهمان گونه به‌سر و جسته می‌

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

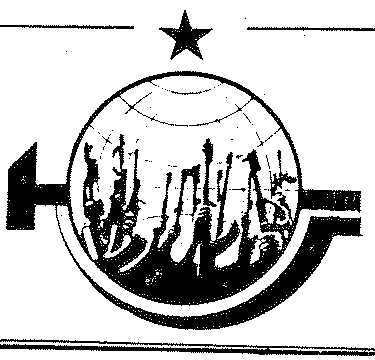


اهداف پشت پرده حمله دولت نژاد برست آفریقای جنوبی نه آنگولا و توطئه‌های امپریالیستی در رابطه با جنبش استقلال طلبانه خلق نامیبیا

بقیه از صفحه ۱

جنبش جهانی

تاریخ - ره‌انجش



های انقلابی و مترقی با جنبش‌ها تسی بخش‌ها میبیا ایما دوسیمی یافته‌است. موضع آن کشورهای آفریقای که از سواپو حمایت میکنند و خواهان استقلال واقعی برای نامیبیا شدند و به ویژه نحوه برخورد آن‌گولا به مسئله نامیبیا و نیز حمایت دولت کوبا از خلق نامیبیا بیش از پیش امپریالیست‌ها را به وقت انداخته‌است.

جمهوری خلق آنگولا که دارای مسووزیست‌ها با نامیبیا است، دهها هزار نامیبیانی را در اردوگاه‌ها پناهنده‌است. موضع مستحکم جمهوری خلق آنگولا آنچنان است که به نژادپرستان اجازه نمی‌دهد، نامیبیا را از لحاظ نظامی کاملاً بی‌زوله و خلسق نامیبیا را از دیگر خلقهای کشورهای آفریقای جدا نماید. وزیر دفاع آفریقای جنوبی آنچه را که وزیرای دیگر آفریقای جنوبی ترجیح می‌دهند به سکوت برگزیدند، بی‌انداخته‌است، وی صراحتاً میگوید: مسئله نامیبیا نمیتواند بدون حل همزمان مسئله آنگولا حل شود.

فروپا روشی با چنین رشد و گسترشی از میان نژاد انقلابی خلق نامیبیا و همبستگی و حمایت همه‌جانبه نیروهای انقلابی و مترقی از خلق تحت‌تتم نامیبیا است که امروز امپریالیست‌ها مجبور گردیده‌اند از استقلال نامیبیا سخن گویند و بخاطر آن کنفرانس‌ها تشکیل دهند و اقدام به سفرهای رسمی و غیررسمی نمایند، ولی با تمامی اینها ما استقلال نامیبیا را که امپریالیست‌ها می‌خواهند به نامیبیا بدهند کاملاً روشن است. جلوگیری از قدرت گرفتن نیروهای انقلابی در حاکمیت نژادپرستان و زنجیر کردن سرروشت خویش و در مقابل، استقرار رژیم دست‌نشانده‌ای چون رژیم "ویندهوگ" در نامیبیا جهت حاکمیت نژادپرستان و تسلط اقتصاد غرب و درست‌بهمین خاطر است که امپریالیست‌ها اقداماتی در راهنگ و در اتحادیه دولت آفریقای جنوبی توسل جسته‌اند تا مانع استقلال واقعی نامیبیا گردند.

مذاکرات پنهان و آشکارا بین سران دولت‌های امپریالیستی و بین امپریالیست‌ها و عوامل مزدورشان در جنوب آفریقا و ارائه طرح‌های رنگارنگ امپریالیستی حتی از سوی سازمان ملل این توجیه‌گر سیاست‌های امپریالیست‌ها، تنها گوشه‌ای از توطئه‌های امپریالیست‌های غارتگر است.

بخاطر آنکه در روزهای نخست نبرد خلق نامیبیا، سونات نخست وزیر آفریقای - بقیه در صفحه ۱۲

نامیبیا و خلقهای دیگر کشورهای جنوب آفریقا پیرامون زندگی، منطقه جنوبی آفریقا و کلاً منطقه اتلانیتیک جنوبی به لحاظ استراتژیک نظامی بسیار برای امپریالیست‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. امروزه که جنبش استقلال طلبانه در نامیبیا گسترش یافته، امپریالیست‌ها بنا به استراتژی‌شان که هم‌اکنون برقرار است و حفظ رژیم‌های تحت‌سلطه در مناطق مهم از لحاظ اقتصادی و استراتژیک نظامی است، تاگزیر، همراه با پیشبرد سیاست سرکوب‌گرانه، در پی راه‌هایی برای سرکوب کردن جنبش‌های آزادی‌طلبانه در آفریقا و به‌ویژه در نامیبیا هستند. برای پیشبرد چنین سیاستی است که حفظ نامیبیا به مثابه یک پایگاه و ضرورت سلطه آفریقای جنوبی بر نامیبیا و سرکوب جنبش‌ها را پیش‌در دستور کار امپریالیست‌ها قرار می‌گیرد.

ولیکن اگر تا دیروز استعمارگران نامیبیا و امپریالیست‌های دیگر قادر بودند به‌راحتی جنبش انقلابی را در نامیبیا سرکوب نمایند، امروزه مبارزه برای استقلال واقعی نامیبیا شده و جدت بی‌سابقه‌ای یافته، مبارزه انقلابی توده‌ها علیه دولت نژادپرست آفریقای جنوبی و رژیم دست‌نشانده‌اش در "ویندهوگ" (پایتخت آفریقای جنوبی غربی - نامیبیا) یعنی ایزار تا مین منطقه امپریالیست‌ها در منطقه، و مبارزه برای آزادی رسوا بریه‌ای اجتماعی و اقتصادی در اکثر شهرهای نامیبیا خصوصاً مناطق شمالی کشور هم‌مرز با آنگولاست. جریان دارد. چیزی نمانده که به‌چنان درجه - ای رسیده که امکان شکست نیروهای نژادپرست را در آینده‌ای نزدیک فراهم آورده است. سازمان خلق آفریقای جنوب غربی (سواپو) که اکنون ۹۰٪ توده‌ها را پشت‌داری و بیعتوان تنها نماینده خلق نامیبیا رهبری جنبش را در دست گرفته و تنها سازمانی است که قادر است می‌تواند حقیقتاً توده‌های سرکوب‌شده "سواپو" را با آموزش نظامی و سیاسی توده‌های تحت‌تتم، در عین مبارزه در اردوگاه‌های پناهنده‌گان در آنگولا، بیش از پیش از حمایت توده‌ها برخوردار گردیده و حملات و حمله‌ها به نیروهای سرکوبگر دولت نژادپرست - پرتوریا (پایتخت آفریقای جنوبی) - به هیچ وجه نتوانسته از قدرت توده‌های این سازمان بکاهد. اکنون خلق نامیبیا، آنچنان‌که از بیگان رهبر سواپو پور می‌آید - بخوبی دریاخته‌است که این مبارزه تنها برای رهایی از سلطه سیاست نژادپرستانه و آوارتایدیست، مبارزه‌ایست برای استقلال و رهایی خلق نامیبیا اکنون برای تغییر بنیادی در جامعه، برای اطلاعات - ارضی واقعی، برای برابری و عدالت اجتماعی و جامعه‌ای به دور از تفرقه‌های طبقاتی و هرگونه استعمار و بهره‌کشی مبارزه می‌کند.

در خارج از نامیبیا نیز، همبستگی نیرو-

این تاج و تاج‌شکار که با اطلاع و حمایت امپریالیسم آمریکا صورت گرفته موجی از تنفروا نژاد را در مردم جهان برانگیخته است. اکثری که در کنفرانس همبستگی با دولت جنوبی شرکت کرده بودند حمله آفریقای جنوبی را محکوم کرده و پشتیبانی خود را از دولت آنگولا اعلام کردند. در جلسه فوق‌العاده شورای امنیت که برای رسیدگی به تاج و تاج‌شکاری جنوبی تشکیل شده قطعنامه‌ای از سوی کشورهای قاره سیاه و شوروی برای گذارنده شده با توجیهی آمریکا و پروگروید، دولت آمریکا با موضعگیری پنهان آفریقای جنوبی و توجیهی نشان داد که کاملاً ارتجاعی آفریقای جنوبی حمایت کرده و در حقیقت محتاج‌گردان این توطئه‌هاست. امپریالیسم آمریکا دنبال و توجیه‌هاست که ضمن محکومیت آفریقای جنوبی، پیشنهادها را از آنها تسی برای این دولت در صورتیکه بغیریت خاک آنگولا ترک نکنند کرده بود، ترمیم کرد: "امریکا با هر قطعنامه و پیشنهادی که از سوی این شورا خواستار خروج آفریقای جنوبی از نامیبیا شود مخالفت خواهد کرد." این موضعگیری‌ها و ادعاهای آفریقای جنوبی که گویا بخاطر تعقیب و قلع و قمع چریک‌های سواپو بخاک آنگولا وارد شده نشان می‌دهد که آنچه در این میان پیش از همه مطرح است استراتژی امپریالیسم آمریکا در جنوب آفریقا و مقابله با جنبش استقلال طلبانه خلق نامیبیا است، که اینک به نقطه سرروشت‌ها رسیده است. امروزه جنبش‌ها در جهان با این نقطه از جهان دوخته شده است. برای آشنایی با این جنبش‌ها در زیر کوشش شده‌است خوانندگان را با جنبش - استقلال طلبانه خلق نامیبیا و توطئه‌های امپریالیستی در این زمینه آشنا کنیم:

جنبش استقلال طلبانه خلق نامیبیا و توطئه‌های امپریالیستی

نامیبیا کشوری با ذخایر طبیعی فراوان (اورانیوم، پلاتین و الماس) در جنوب غربی آفریقا، فرنگ‌ها است که در راه استقلال و رهایی ملی مبارزه می‌کند. سالها استعمارگران انگلیس به غارت و ستم خلق نامیبیا مشغول بودند و امروز امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا به کمک دولت نژادپرست آفریقای جنوبی و دست‌نشانگان در نامیبیا که از سوی نژادپرستان آفریقای جنوب عربی تأمین می‌شود سعی در زندی توطئه‌های پنهان و آشکار و سرکوب‌های مستقیم و غیرمستقیم مانع استقلال واقعی نامیبیا گردیدند. بی‌شک تنها مانع اقتصاد است که امپریالیست‌ها را وامی‌دارد به سرکوب خلق

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبش‌های ره‌انجش سوا سرجهان

مقدمات کودتای ۲۸ مرداد

داداشتهای تاریخی

را عملی سازد. ۲۰ ما موریت رژیم آرا هم چنین تصفیه و پاکسازی هیات حاکم و ادارات دولتی را از عناصر "فاسد" دربر میگرفت. جرایم آمریکا در تصرف نظر مقامات دولت خود می نوشتند: "اگر کابینه رژیم آرا نتواند تصمیم هیات تصفیه را عملی کند حکومت به رفتن است و در مقابل مردم نمی تواند مقاومت کند." (گذشته چراغ راه آینده است ۵۰۰ ص ۵۰۲) اکنون روزنامه ها با عناوین درشت به افشای روابط نامشروع این وان بر می آمدند، مجالس قمار و خوشترکده ها را با عکس و تفصیلات منتشر می کردند و از مردم میخواستند که عوامل "فاسد" را به مقامات "لر" بدهند.

در سیاست خارجی رژیم آرا به شوروی نزدیک شد، به حزب توده آزادی نسیه داد، سران توده از زندان فرار کردند، قرارنامه بازرگانی ایران و شوروی در ۱۳ ژان ۱۳۳۸ به امضاء رسید، نیز وعده داده شد از آن پس بجای "سلاح های کهنه ۳" آمریکا "سلاح های جدید" از شوروی خریداری شود. قرار داد نفت شمال منعقد گردید، ... حزب توده نیز به دفاع از رژیم آرا از جناح مصدق که در اعتراض به قرارداد های نفتی خود را "غمخوار" مردم قلمداد می کرد، به عنوان "عوام فریب" یا "دمی کرد" بسوی آینده در ۲۹/۷/۱۲ می نوشت اینها شی که

نمی گذارند لایحه الحاقی به تصویب برسد و با سیاست رژیم آرا دشمنی می کنند، اینها که با اصطلاح "پرچمدان استقلال و آزادی" کشورند، در واقع آن لایحه الحاقی که در ۱۹ استعما رند و دکترا مصدق شایسته آن گروه است."

اما در ۴ آذر ماه، ویهنگامی که دولت رژیم آرا، در قبال سیاست مبارزه با "فساد" خود، لایحه الحاقی را به مجلس تحمیل میکرد، دکترا مصدق، خلاف انتظار ریشنهادهای ملی شدن نفت در تمام نقاط کشور را به مجلس داد، و بدینا لایحه الحاقی که در ۱۹ آذر به مجلس آمد، منجر به تظاهرات گسترده در سطح شهروندان نگاه، درگیری میان هواداران حزب توده و مصدق شد (در ۲۲ - آذر) و مجلس تا گزیر در ۲۹/۹/۲۶ آن لایحه را رد کرد، و دو ماه بعد، در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ سرکنشگر رژیم آرا بدست خلیل طهماسبی عضو فدائیان اسلام و محافظ شخصی دکتر بقاشی ترور شد.

این نخستین بار بود که عمال آمریکا با عناصه مذهبی متحد می شدند، واقعیت این بود که دولت آمریکا، بشیمان از گروه خود، نخست وزیر منتخب خود را که بیش از پیش جانب منافع انگلستان را می گرفت در نتیجه راه "املاجات" را هرگز نتوانستند. اقدامات رژیم آرا خلاف چشم داشت منظور و مطلوب آن دولت از آب درآمد، دربار نیز در قبال املاجات ارضی تعمیالی، روی خوش نشان نداد، اکنون شاه که خود یکی از بزرگترین زمینداران ایران بود، در زیر فشار حاکمان فنودال رژیم هم قرارداد است، همچنین مبارزه با کمونیسم توده ای، که انگیزه روی کار آمدن رژیم آرا بود به جاشی رسید، لایحه الحاقی از -

بقیه در صفحه ۱۱

انتخابات نوین را تحریم کرد، بلکه با ابطال انتخابات فرمایشی نیز به مخالفت برخاست، روزنامه "نیسان" در ۳۰ آذر ۱۳۲۸، اعلام داشت: "اعضای جبهه ملی، یکی از درخواست های خود را ابطال انتخابات ذکر نموده اند... آنها شی را که از ابطال انتخابات سخن می گویند، نمیتوان طرفدار آزادی انتخابات نامید."

در انتخابات مجلس شانزدهم که در فروردین ماه ۱۳۲۹ و با نخست وزیر علی منصور گنایش یافت، تعدادی از - اعضای جبهه ملی، از جمله دکترا مصدق با ۳۰ هزار رای به مجلس راه یافتند. در ۲۳ خرداد علی منصور از مجلس تقاضا کرد لایحه الحاقی در دستور روز قرار گیرد، پیشینهاد با مخالفت سرخاسته مصدق و شایگان روبرو شد.

اکنون هنگام آن رسیده بود که دولت آمریکا وانگلیس - که از آغاز جنگ کسره در سپه ۲۹ - به یکدیگر نزدیک شده بودند در برابر "دن کینوت" بازی مصدق ایستادگی کنند. سخن از روی کار آوردن "مرمقندرز" می رفت که در عین حالی که منافع غرب را حفظ کند، بتواند با بهره ای املاجات و نیز با پیش گرفتن سیاست مسالمت آمیز در قبال شوروی، از "مخاطرات" آینده جلوگیری کند. آن مرد مقتدر رژیم آرا بود

که نخستین کودتا را بی ریزی سرد، بدینسان بود که دره تیرو به ناگهان دولت منصور استعفا داد و سرکنشگر رژیم آرا، با یک فرمان وبدون نظر خواهی از مجلس به نخست وزیری رسید، گرچه اقدامات او به جای تحکیم هیات حاکم به تشادها رامن زد، با قتل و راه برای روی کار آمدن دولت مصدق هموار گشت.

استدلال دولت آمریکا در فرود ای استغفای منصور (نیویورک تا یازم، ۶ تیر ۱۳۲۹) چنین خلاصه می شد: با وضع ایران "زخم گسیخته" است، "فاسد و بی بدینشی" به درجه ای است که جز یک نفر، یعنی رژیم آرا رئیس ستاد ارتش کس دیگری نخواهد توانست ایران را از این وضع اسف بار نجات بخشد، در سیاست خارجی، "ژنرال رژیم آرا و ارتش او با تفاق ایالات مسلح کوهستان می توانستند در حوادث جنگ کوه، "جلسه پیشرفت" سپاه دشمن را بطرف جنوب "سد" کنند.

سیاست مبارزه با "فساد" رژیم آرا، در جهت پیش گیری از "خطر کمونیسم" به راه انداخت، عبارت بود از: -۱- صادره اموال برخی زمینداران بزرگ از جمله قوام و سردارفا خرگمت و دیگران که همگی در "بندهیم" قرار گرفتند، آمریکا شیان در - ارجاع این ما موریت، می گفتند: - "املاجات ارضی فعلا مهم ترین مسائل و مشکلات ایران است. وضع زندگانی کارگران و کشاورزان املاک بزرگ مزبور یکی از مهم ترین عوامل تضع قدرت کمونیستی و انقلاب توده به شمار می رود. تنها راه جزاین نیست که "سایده دهقانان زمین داد، تا کمونیسم فرصت نشووناسا نیابد". اگر دولت ایران بخواهد از - آمریکا "وام" بگیرد باید "فرم کشا وری"

با سپاشی دولت مصدق (اردیبهشت ۱۳۳۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) و همراه با او حکمیری مبارزات ضد استعماری در حالیکه حزب توده (تا قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱) هم چنان بر سر مواضع خود پامی فشرده، احزاب و گروههای وابسته و ارتجایی دیگر، با انگیزه های گوناگون و هدف مشترک، مبارزه با کمونیسم و "حفظ بیضه اسلام" به میدان آمدند. گذشته از "حزب زحمتکشان" بقاشی "پان ایرانیست" ها و عناصر معلوم الحال دیگر که بی نام و نقد و هواداری از جبهه ملی، نقش سرکوبگران جنبش را ایفا کردند، با یاد از "روحانیت مبارز" یا دکترا که به مثابه عمده ترین بیا بگا و مجری کودتا، گاه در جناح های مستقل، گاه در کنسار فدائیان اسلام، گاه در همدستی آشکار با دارودسته بقاشی، اما یکبار چه و یکمدا بعد از قیام ۳۰ تیر به تدارک کودتا و در هم شکستن جنبش برآمدند.

به تبیین نقش این جناح ها می پردازیم، تا گزیر به باوری برهشی از رویدادها بر می آیم، و سواتحام طرح اجرای کودتا را بدست می دهیم.

با محطلی از رویدادهای مرحله دوم جنبش نفت و کتاسیس "جبهه ملی" آغاز می کنیم. میدا نیم که لایحه الحاقی کس - گلشائیان که در نوامبر و روزهای مجلس شانزدهم به دولت ساعدار شده شد، با نگرفت

و به مجلس شانزدهم که انتخابات فرمایشی آن از مرداد ماه ۱۳۲۸ در کار نبود، محمول گشت، از آغاز مهر ماه دانشجویان به اعتراض علیه انتخابات ساختگی به تظاهرات برخاستند، در ۲۲ مهر، مصدق با استفاده از اجوا اجتماعی ساعد، و در - مخالفت با انتخابات "غیر قانونی" همراه با گروهی در دربار شخصی جیت، بیانیه این تحمن از جمله می گفت: -

"ملت ایران بهیچ وجه مجلس را که فساد انتخابات آن بر همه مسلم است... منظر افکار خود نمی داند، بنا بر این هر تصمیمی که در باره تقاضای حیاتی این مملکت گرفته شود، مطلقا "و ابدأ" تصمیم ملت نیست". همان گروه که در میان نشانیان

نام کودتاگران آینده و عوامل مزدوری چون دکترا بقاشی، مکی، حاشی زاده - ارسلان خلعتبری، جلالتی ناشینی درکنسار نام مصدق، نریمان، قاطمی، شایگان، به چشم می خورد، در اول آبان ماه ۱۳۲۸ در خانه دکترا مصدق "جبهه ملی" را بنیسان

شهادتند، از سوابق حامیان دیگر جبهه همچون میرا شرفیها (مدیر روزنامه آتش)، شمس قنات آبادیها (همسر بعدی ملکه سادر) و آیت الله کاشانی که در جای دیگر از او یاد خواهیم کرد، می گذریم. در سر آغاز انتخابات مجلس شانزدهم گروه مصدق همدا با دانشجویان، گروهی از کسبه و بازاریان و با حمایت برخی از روحانیون از جمله کاشانی، انجمنی، غروی موفق شدند انتخابات فرمایشی را در ۱۹ آبان ماه به ابطال کشا کنند و مقدمات راه یافتن به مجلس را تدارک ببینند. حزب توده که هنوز به جبهه سیدضیاء الدین و قوام السلطنه وفا دار بود، کوشید از - پیروزی مصدق جلوگیری کند. حزب نشنها

فہ سازش نہ تسلیم نبرد با امریکا



مقدمات

کودتای ۲۸ مرداد

بقیه از صفحه ۱۰

تمویب نگذشت، مهم‌ترین آنکه طرح تقسیم ارضی مخالفت غیرمنتظره روحانیت را برانگیخت - گرچه آیت الله بروجردی بارها نظر خود را در حمایت از مالکیت اعلام داشته بود. جناح خمینی که از مهم‌ترین و وفادارترین مریدان او و مشاوران وی رفتند اصلاحات ارضی را بمناسبت به لغو مالکیت و خلاف مقررات اسلامی تلقی کرد. وفدائیان اسلام را که هنوز نیروی عسده نبودند، به سرکردگی نواب صفوی بسیج کردند. آیت الله کاشانی نیز به علت کینه دیرینه شخصی (پس از تیراندازی به شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷، آیت الله کاشانی بدستور رژیم آرا، مضروب و سپس تبعید شد.) به جمع پیوست. بدینسان فکر برانداختن رژیم آرا از سوی دربار، اعمال آمریکا و روحانیون، بولیک با انگیزه‌های گوناگون جان گرفت. امروز میدانیم که در جلسات مشاوره، نمایندگان هر سه گروه یعنی اسدالله علم، دکتر بقاشی، کاشانی و خلیل طهماسبی شرکت داشتند. بی‌سبب نیست که امروز هم در مجلس اسلامی، فدائیان اسلام در کنار افراد حزب زحمتکشسان می‌باشیم. عبدکاشانی (ضارب دکتر قاضی) را با آیت‌ها همسوم می‌بینیم، و دکتر بقاشی "شارکت در" تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی را از افتخارات خود برمی‌شمارد. (نوار سخنرانی دکتر مظفر بقاشی، آذر ۱۳۵۸)

این چندسطر را نیز بسیار و پریم که جنبه ملی و جناح خلیل ملکی همواره کوشیده‌اند در توجیه وابستگی بقاشی، این استدلال عوام‌فریبانه را در همه نشریات و تبلیغات خود عرضه دارند که: بقاشی قبل از قیام ۲۰ تیر عصر ملی بود، بعد از قیام تا گهات به کودتا پیوست. در حالیکه موضع بقاشی از بدو جنبش آشکار و روشن بود. آواز - شهریور ۱۳۲۸ و بدینحال ایجا در روزنامه "شاهد" می‌گفت: در جهان "روزنی بطرفی" هم بی‌معنات و هم "ممکن نیست". منتها راهیجات ما پیوستن به آمریکا است. "تا چشم ما کور شود" همه "بها نه‌های که آمریکا می‌ورد و برای وام دادن و کمک کردن به ایران شرایط قابل می شود" "منطقی است". مگر تاکنون "ما چه بدی از آمریکا دیده‌ایم"؟ (شاهد، ۲۷ شهریور ۱۳۲۸). - وانگهی دشمن ما آمریکا نیست، شوروی است، چرا که ما "پشت دیوار آهنین قرار گرفته‌ایم". پس امروز مبارزه ما "غیر کمونیست‌ها" مبارزه با "کمونیست‌ها" است. چگونه؟ اینکه حزبی برپا کنیم به یاری "پهلوانان روشن‌تن" و "جوانان نیرومند". در "تظاهرات از عضلات" آنان علیه مخالفان استفاده کنیم. چنین هم شد. در همه اجتماعات، اوپاشان و مزدوران بقاشی، به نام پشتیبانی از مصدق، یورش به دفتر، روزنامه‌ها، چاپخانه‌ها و ضرب و جرح مردم از عهده دار گشتند. در واقع ما مورثیت آنان در هم شکستیم. صفوف مردم و آنها در تفرقه نبود. در اوج جنبش نفت هم نظری بقاشی این بود که قراردادی نظیر قرارداد های عربستان و ونزوئلا منعقد شود. قرارداد "دنیا پسند" باشد. در ۲۳ فروردین ۱۳۲۹ اعلام می‌داشت: "به ما اعتراض می‌کنند که چرا می‌خواهیم

قرارداد دنیا پسندی امضاء شود" می‌گویند: "قرارداد دنیا پسند نبود". در پاسخ می‌گویم: "اگر قرارداد را قبول می‌کنیم بهایات خاکش کنونی امکان به کار انداختن تاسیسات نیست. ما معتقدیم که در درجه اول با همین شرکت نفت فلی قرارداد می‌بندیم". چنانکه انا رهند، در این سال بقاشی، به اتحاد با روحانیت برآمد. گویا ست که بهنگام بازگشت کاشانی از تبعید (خود ۱۳۲۹) که با وساطت دربار انجام گرفت، - سخنرانی‌های غیرمقدم را در کتابخانه ای براد کرد. در همین سال مهندس بازرگان سخا بهیوتعدادی از روحانیون "کاشان" اسلامی را در جهت مبارزه با مرام اشتراکی برپا کردند. بقاشی، مکی، زاهدی، شمس، تنابند و آبا دی و گروهی از چاقو کشان، بنام سازمان "مهاجدین اسلام" را تشکیل دادند. بقاشی با فدائیان اسلام که با همین سازمان در رابطه بود، در آمیخت. شش ماه قبل از شورور رژیم آرا، خلیل طهماسبی همکار نواب صفوی، به استخدام روزنامه "شاهد" درآمد. شب‌ها در چاپخانه می‌خواهید روزها شش محافظ و گساره غصومی بقاشی را عهده‌دار بود. آیت الله بهبهانی نیز فدائیان را زیر حمایت خود، یعنی دربار گرفتار می‌داند. در ۱۶ اسفند، روز قتل رژیم آرا، اسدالله علم در صحنه بود و غیر "راحت شدن از شورور رژیم آرا" و او در دم به شاه رساند. اکنون روزنامه "پراودا" نیز در شماره ۲۸ اسفند ۱۳۲۸ - می نوشت: "ژنرال رژیم آرا از طرف کمانی به قتل رسید که با آمریکا شایان ارتباط نزدیک دارند... فقط آمریکا شایان از این حادثه استفاده کرده‌اند". بدینسان مقامات شوروی نیز وابستگی بقاشی‌ها و فدائیان اسلام را به آمریکا تا شکر کرده‌اند.

اما رابطه دربار و فدائیان اسلام را از زبان نواب صفوی رهبر گروه بشنویم: "در زمان نخست وزیر رژیم آرا من و سعید عبدالحمید و احمدی (مرد شماره ۲۸ فدائیان) تقاضای ملاقات با شاه را کردیم. در این ملاقات به ما از فساد موجود در مملکت شکایت کردیم و گفتیم: اگر خود را مسلمان می‌دانند چرا جلوی فساد و هزجی‌ها را نمی‌گیرند. بعد از او می‌پرسیدیم: مقدم ما بود کردن مسیحین فساد است. شاه در جواب وجود فساد را قبول کرده، اما تمام تقصیرها را متوجه رژیم آرا کرد". با آغاز زمان مآذاری دکتر مصدق (۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۰) که پس از نخست وزیرری کوتاه حسین اعلمه، بروی کار آمد، روحانیت به دو جناح تقسیم شدند: آیت الله کاشانی تا قیام ۳۰ تیر به حمایت از مصدق و جنبش نفت برخاست و از فدائیان اسلام گسست. حتی در اعلامیه‌ای به تکفیر آنان برآمد و آنان را "معارض با خدا" نامید. گروه دوم، خمینی - بهبهانی، در پشتپانی از - بروجردی، در کنار فدائیان اسلام قرار گرفتند و علیه مصدق بسیج شدند. خواهیم دید که حزب توده نیز از پیروان این جناح دوم پیوست.

کم‌روز ولت، فرمانده عملیات کودتا، در ۱۳۳۰ که آمریکا و انگلیس مقدمات - کودتا علیه مصدق را فراهم می‌آوردند، - می‌نویسد: ما و انگلیس با به این نتیجه رسیدیم که اگر "روحانیون قرار با شدین شاه و مصدق، حزب توده و شاه و حتی روحانیون و شاه یکی را انتخاب کنند، بیش از یک انتخاب ندارند" و آن حفظ سلطنت است (اطلاعات روز ولت، ص ۹۹). مشاوران ایرانی کودتا نیز به روز ولت می‌گفتند: "شما روحانیون را نمی‌شناسید، آنها هیچ

دشمنی بدتر از کمونیسم برای مذهب خود نمی‌شناسند... اگر روس‌ها دست دراز کنند روحانیون دست آنها را پس خواهند زد و این امر آنها را به شاه نزدیک خواهد کرد". (همانجا، ص ۹۸)

استدلال جناح خمینی وفدائیان اسلام در باره مصدق تا شاید آن دیدگاه بود و عملکردشان از این سال تا کودتا در جهت سرکوب جنبش و دشمنی آشکار با دولت مصدق بود. نواب صفوی نیز به‌مه‌ها اعتراف می‌کند: "من با دولت مصدق به شدت مخالف بودم و او در تمام حکومتش از ترس من و برادرانم در گوشه‌خانه محتمن بود". در توجیه کودتای امپریالیستی می‌گفت: "بزرگترین جناحیت مصدق تقویت اعمال شوروی در ایران بود و تنها با روح ایران و علاقه‌خلل تا پذیر مردم این سرزمین و افسران و سربازان با کزاد و مسلمان ما به نام موس و دیانت بود که به یاری خدا، او عوام را بیگانه را شکست داد". هم‌چنانکه امروز خمینی در بزنگاشت کودتا، می‌گوید: اگر مصدق می‌ماند به ملامت سبلی میزد (گفتار رتلو یزبونی، ص ۳۰ - خرداد ۱۳۳۰). نواب نیز در اعلامیه خود علیه مصدق، همان مضمون را بیان می‌کند: "اگر در روز دیگر حکومت مصدق باقی‌مانده و رجاله بازی بیگانه برستان ادا می‌شد، میگردید، عقده‌های درونی مردم ایران شدید منفجر می‌شد" (رواها، شماره ۷۲، ص ۱۱). پس اگر کودتا مصدق را برانداخت، بدان مفهوم بوده که او را "اسلام‌سلبی" خود.

حال نقش آیت الله خمینی چه بود. چنانکه گفتیم در این دوره آیت الله بروجردی تنها مرجع تقلید بود و ریاست حوزه علمیه قم را نیز بر عهده داشت. او نخست از مریدان سرسخت او بشمار می‌رفت. یکی از بهانه‌های مخالفت خمینی را با مصدق مسئله تولیت حضرت معصومه قلم‌بست داد که متولی آن خمینی بنام "تولیت" از وکلای درباری مجلس و تحت حمایت بروجردی بود. هنگامی که کاشانی به حمایت از جنبش نفت و تکفیر فدائیان اسلام برآمد، دکتر مصدق برای ارضای خاطر او، تولیت را برکنار نمود و یکی از زوهادان کاشانی (سید مشکو) را بر جای او نشاند. این امر با مخالفت شدید دربار و بروجردی - بروجردی، اعصاب و نظهرات به رهبری خمینی، در فضیضه قم به راه افتاد. دکتر مصدق در قم حکومت نظامی اعلام کرد که به رهبری های شدید میان فدائیان اسلام و افسران شهری را انجام می‌دهد. (این همان رویدادی است که خمینی در گفتار رهسای رتلو یزبونی خود از آن یاد می‌کند و می‌گوید: مصدق فیضیه را به خاک و خون کشید و طالب را سرکوب کرد).

دومین عذر خمینی برای مخالفت با مصدق، مسئله ملی شدن شرکت تلفن بود. مصدق بود. اکنون خمینی در اعلامیه‌ها و گفتارهای خود استدلال می‌کند که "ملسی شدن" به مثابه لغو مالکیت و خلاف مقررات شرع میباید است.

بها نه سوم لغو ۲۰ بهره مالکانه بود. خمینی اعلام می‌کند که این امر نیز به طلب مالکیت عمومی است. سبب گسترش و رواج افکار اشتراکی و انا عهده‌گراست. برغم تضاد دو شکافی که میان دو جناح روحانیت افتاده بود، گروه خمینی همراه با کاشانی می‌خواست که از مصدق بگردد و با شما رگفرا میز "ملی" و "ملی کردن" استیز بر خیزد.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



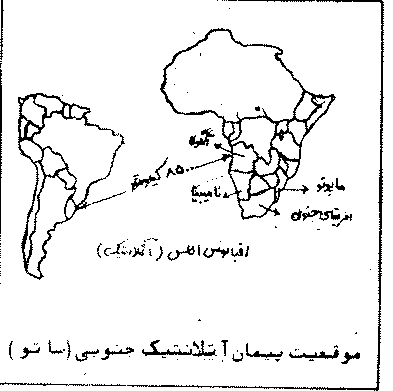
اهداف پشت پرده حمله دولت نژاد پرست آفریقای...

بقیه از صفحه ۹

جنوبی به واشینگتن سفر میکنند، ما ویمبی، رهبر ما زمان "اوتینا" در مراکش با نماینده ویژه امیریا لیسیم آمریکا ملاقات میکند و درست در همین زمان لنو لایحه ممنوعیت کمک آمریکا به شورشیان آنگولانی جان سیاست دولت نژاد پرست پرتوریا که در او اواخر ۱۹۷۵ تحت فشار انکار عمومی جهان توسط کنگروه آمریکا، صوب رسید یعنی مزدورانی چون "اوتینا" در دستور کار امیریا لیستیها قرار میگیرد دولت آمریکا برای توجیه جناياتش در جنوب آفریقا و هماهنگی سیاستش با دولت نژاد - پرست آفریقای جنوبی، حضور نیروهای کوبا را در آنگولانیها نه قرار میدهد و استقلال نامیبیا را مشروط به عقب نشینی نیروهای کوبا از آنگولان خوان میکند که بخوبی روشن است هدف دولت ریگان از خروج نیروهای کوبا، تضعیف جمهوری خلق آنگولا است که تا پیش از استقلال نامیبیا میباید دولت ریگان نمی دارد با ایزوله کردن دولت جمهوری خلق آنگولاد در پتان ارتش تپهای نامیبیا و سوا پوزمنه برقراری حکومت مدافعان نامیبیا را تا امیریا لیستی زار نامیبیا فراموش آورد، ما هیت این سیاست تجار و کارخانه هنگای آمریکا را میگرداند که دولت آمریکا در بیا تیه شماره ۱۶۰ و ژوئن اظهار میداند که پیش شرط هرگونه اقدامی برای حل مسئله نامیبیا، علاوه بر خروج نیروهای کوبا، "حضور چریکهای ساویمبی (ما زمان اوتینا) در دولت آنگولا است" یعنی در قدرت سهم شدن ما زمان کیسه مورد حمایت امیریا لیستیها است و از آفریقای جنوبی اسلحه دریافت میدارد. امیریا لیستیها، جهت سرکوب جنبش خلق نامیبیا و تا مین منافع نامحارات، همزمان با این طرحها و مذاکرات توطئه گرانه، بدست صوا مل شان در آفریقا بسنه تنها جبات نظامی وسیعی علیه خلقهای کشورهای آفریقای نیردست می یازند: تنها هم نظامی علیه خلق موزامبیک، اشغال هشت شهر در آنگولا، و همراه با آن افزایش بودجه نظامی آفریقای جنوبی (افزایش بودجه نظامی بیش از سی درصد یعنی از ۱۹۰۲ تا ۲۴۶۵ میلیون دلار) نشانه دیگری است که سیاست دولت آفریقای جنوبی

هزینه نظامی ۱۹۶۰	۱۹۷۴	۱۹۷۹
۴۴	۷۰۷	۲/۱۸۹
(به میلیون ریال)		
پلیس ۲۶	۵۹	۷۹
(تفریه هزار)		
ارتش ۶۰	۲۵۰	۴۵۰

بیش از ۱۴ سال است که دولت پرتوریا (آفریقای جنوبی) با اتکا به نیروهای نظامی سرکوبگر و مزدورانش علیه خلق نامیبیا، و تنها دیده آن، سوا بودروا قسح جهت تا مین منافع نامحارات امیریا لیستی در منطقه، در جنگ است. دولت آفریقای جنوبی برای پیشبرد این نیت خیانتکارانه اش، نیروهای نظامی اش را در نامیبیا



افزایش داده؛ در حالی که در سال ۱۹۷۷، ۵۴ هزار اسیر زدن نامیبیا وجود داشت در سال ۱۹۸۰ تعدادشان به ۸۰ هزار رنفر رسید. رژیم آفریقای جنوبی، از بیگانه های در نامیبیا، برای حمله به اردوگاه های پناهندگان نامیبیا می کند و در همان حال محله های مسکونی، کارخانها و زمینهای کشاورزی را در منطقه ویران می سازد. آفریقای جنوبی در تهاجمی در سال ۱۹۶۸ یک روستا در نامیبیا ۸۸ کشته بجای گذاشت در سال ۷۸ و در محله به یکی از اردوگاه های پناهندگان نامیبیا در آنگولا، ۱۰۰ نفر را به قتل رساند. این نوع سیاستهای امیریا لیستی که تلاشی است جهت تحکیم دولت های نژاد پرست آفریقای اشغال درک مورگه DFRK HORGE در نامیبیا و نیز ستم بر خلقهای آفریقا و محدود کردن جنبشهای انقلابی در آفریقا، نه تنها نتوانستند مانع حرکت انقلابی توده ها گردد، بلکه بیشتر و بیشتر به چاشنی جدیدی برای وضعیت انفجاری آفریقا و برای اتحاد هر چه بیشتر نیروهای انقلابی بدل شده و بیش از پیش امیریا لیستیها و دولتهای وابسته به آنها را و میدارد که به اقدامات سرکوبگرانه دیگری گامی زدن در تهاجم جنبش انقلابی را گسترش خواهد داد و تهاجمات طبقه های را شدت خواهد بخشید، توسل جویند. در نامیبیا چون دیگر کشورهای تحت سلطه آفریقا می، توده های زحمتکش از حد اقل و تا بل به ذاتی و رفا می نیرسی بهر آنند، کارگران با زندگی سخت و طاقت فرما، تحت شدیدترین استعمار روبه روبرو کشی ها فرار دارند. برای پنجه ها و کارگر یک خوابگاه وجود دارد. در این خوابگاهها، عده ای کارگران بیگانه زندگی می کنند. به سیکاران از آن رواج زده و رودیه این خوابگاهها داده میشود که از آنها بعنوان ارتش ذخیره کار استفاده می یابند و در روی کارگران شان غل قرار دهند. زنان حق رودیه این خوابگاهها را ندارند، و در نتیجه کارگران مجبورند تا نوا ده ها پیمان را رها کرده و برای ایتدا ای تریب زندگی که در آنها بیگانه روتنها در این اردوگاهها زندگی کنند. کارگران حتی از حق هرگونه شکنجی محروم اند. در نامیبیا هیچ نوع اتحادیه کارگری وجود ندارد، دولت، مانع

هرگونه سازماندهی کارگری گشته و مسر حرکت اعتراضی را سرکوب میکند، حتی در معادن مینا نهی ای صادر شده که کارگران - نیا بدت تها دیده داشته باشند و بجای آنها، مدیران کارخانه ها، کمیته ای برای حل مسائل آنها تشکیل میدهند. تمام این دسایس و هیاستهای ضد خلقی و ضد کارگری نشان میدهد که قدرتهای حاکم در منطقه جنوبی آفریقا و امیریا لیست ها، مسئله را تنها از دید منافع نامحارات امیریا لیستی می نگرند، یعنی منافع استراتژیک - نظامی و اقتصادی در منطقه جنوبی آفریقا. کشورهای آفریقای جنوبی با معادن طلا، مس، زغال، اورانیوم و... در زمانی دفاعی زرم با بهای امیریا لیستی و پیشبرد سیاست فقی استعمار در منطقه جنوب آفریقا را تشکیل میدهد. آفریقای جنوبی و نامیبیا به تنهایی نصف طلای جهان را تولید میکنند و هر ساله نامیبیا ردها دلار سود نصیب سرما به های آمریکا می واری می سرما به گذاری شده در این بخش از صنایع میگردد. بطوریکه تنها در سال ۱۹۸۰، شرکت های امیریا لیستی ۹/۷ میلیارد دلار سود نژاد پرست پرتوریا به حرکت کارگری راه ندیده ترین وجهی سرکوب میکنند و برای - تا مین منافع نامحارات غارتگر امیریا لیستی به انواع شیوه های سرکوب پنهان و آشکارا توسل میشود؛ اخراج کارگران، به خون کشیدن تظاهرات در اعتراضی بسنه سیاستهای ضد کارگری و نژاد پرستانه، رشوه و امتیاز به کارگران سفید پوست جهت ایجا و تفرقه و جدایی بین کارگران و ممانعت از شکل گیری هرگونه تشکل کارگری کافی است. اشتهار کنیم که در فاصله سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹، ۴۵۵۰ کارگر کشته و هزاران نفر زخمی شده اند. منطقه جنوبی آفریقا از نقطه نظر زئوپولیتیک نیز برای امیریا لیستیها اهمیت بسیاری دارد. با قطع کانال سوئز، تمام حمل و نقل با بین غرب و آسیا و مراکز تولید کننده نفت با بدت زوا حمل آفریقای جنوبی عبور کند، علاوه بر خاطر معاهدات در زمدت تضعیف استفاده از پنا در ساحلی برای امیریا لیسم آمریکا امرحیاتی است. اهمیت استراتژیک جنوب آفریقا، طرحهای تهاجمی - دفاعی امیریا لیسم خصوصا پس از اذ دست دادن سواحل آنگولا و موزامبیک و رشد و گسترش جنبشهای انقلابی و همچنین رشد نفوذ شوروی در منطقه افزایش یافته است. کشور آفریقای جنوبی همرا با برزیل و آرژانتین یکی از ستونهای تا مین دفاعی از تلاتنیک جنوبی است و بهمین خاطر است که امیریا لیستیها بهر سیاستی جهت نجات جنوب آفریقا توسل می جویند و از هیچ اقدام جنایتکارانه ای علیه خلقهای آفریقا روی گردان نیستند و بهر حیل و بهر رنگی توسل می جویند تا مانع رشد جنبشهای رها نشی و استقلال واقعی خلقها گردند، و "نجات" نامیبیا هم که امروز در دستور کار امیریا لیستیها قرار گرفته نیز در رابطه با همین سیاست پیشبرد منافع امیریا لیستی قرار دارد. امیریا لیستیها همواره از بوجود آمدن و بردن ابزار جهت دفاعی از تلاتنیک جنوبی سخن می گفتند و شکل گیری پیمان آتلانتیک جنوبی (ساتو) را نیز دقیقاً در رابطه با اهمیت منطقه جنوب آفریقا و نیز آمریکا و لاتین با بدت زرمی کرد. با این حال طرح پیمان ساتو زمانی در دستور قرار گرفت و گامی دیپلماتیک و نظامی برداشته شد که امیریا لیستیها به اهمیت شکستهای پیمان در محروط جنوبی آفریقا تهاجمی بردند. مسائل مربوط به کانال سوئز در -

برنامه دولت باصطلاح مکتبی

آموزش و پرورش در مورد مصلحتین مبارز و آگاه است. در ظرف دو سال و نیم گذشته هزاران معلم با رزومتمهد مشمول اخراج، پاکسازی، انتقار خدمت شده و بسیاری از آنها روانه زندان گردیده اند. بهرغم سردمداران رژیم این اقدامات ضد خلقی کافی نبوده و اکنون تصمیم دارند بموجب لایحه بازسازی عده بیشتری از - آموزگاران را اخراج کرده و با به تنظیم در مقابل رژیم و ادارکنند و تاکنون با گذاشتن برنامه های ایدئولوژیک در تابستان سی کرده اند از طرفی معلمین مبارزان را ساکن کنند و از طرف دیگر معلمین را با اصطلاح مکتبی کنند! اسرار روی حجاب اجباری در مورد معلمین و محصلین هم موارد فشارهاشی است که تصمیم دارند مسائل با شدت هرچه بیشتر روی آن بکوبند.

با این برنامه های سرکوبگرانه است که رژیم تصمیم دارد بدست عمرغاش و پلییدی چون پرورش جنبش توده ای - دانش آموزان و معلمان را که در سال گذشته رژیم برایشان آورده بود سرکوب کند. اما بهمدای مثل معروفاً شتر در خواب بیندیننده اند. رژیم ضد خلقی تنها قادر است در خواب و غیال جنبش دانش آموزان و معلمان را سرکوب کرده و از آوج آن - بکا هد!

کانون دیگر جنبش توده ای کارخانه - جات است که رژیم پیش از همه از آن - واهمه دارد و به همین دلیل دولت حزبی، برنامه منشی برای سرکوب آن دارد. رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی بلافاصله پس از پرورش به آزادبها و آغا ز اعدا مهای دسته جمعی اش پرورش به کارخانه ها را آغاز کرده. اکنون رژیم می کوشد با تسلط انجمن های اسلامی کارخانه و بدست گرفتن شورا های کارخانه جات و از محتوا خارج ساختن آن به سرکوب جنبش کارگری بپردازد. با این ترتیب برنامه سرکوب خود را به موازات سرکوب سازمانها و نیروهای انقلابی، در کارخانه ها به - مورد اجرا بگذارد.

برنامه دیگر رژیم مقابل به با یکی دیگر از کانونهای تاریخی و اعتراضی علیه رژیم یعنی ادارات است که رژیم با تمام تهدیدات، اخراجها، پاکسازیها توانسته بر آن مسلط شود. برنامه "قلع و قمع" کارمندان قرار است تحت عنوان انقلاب اداری صورت گیرد. همه وزراء برای این کار آماده میشوند و همه منتظر تصویب قانون بازسازی هستند که به سرعت موافق آن در مجلس تصویب می رسد. مقدمتاً "این انقلاب اداری" از زمان برنامه و بودجه شروع گردیده است. پس از تعطیل ده روز این اداره، تعدادی از کارمندان دستگیر، عده ای به دادستان احضار و عده ای هم بدست شما از خدمت "معاقتلند. خلاصه از دوهزار کارمند تنها حدود شصت نفر بر سر کار نمانده و بقیه بنحوی از کار بر سر کار شده اند. بهیچوجه این برنامه در سازمان برنامه و بودجه آزمایشی است که با تجربه از آن بتوانند این امر را در ادارات دیگر بپایه کنند. با تصویب لایحه بازسازی (که ما در مقاله دیگری به بررسی تفصیلی آن خواهیم پرداخت) و شروع با اصطلاح "انقلاب اداری" نظیر "انقلاب فرهنگی" پرورش به ادارات شروع خواهد شد تا بدینوسیله با اصطلاح موهوشان این کانونهای تاریخی را که میتواند پتانسیلی برای اعتراضات

چیزهاشی بوده که تاکنون کم و بیش در دستور دولت های قبلی بوده است و توده ها نتایج مشخص و "انقلابی" آن را در عمل دیده اند! و معلوم است آنچه دولت به مردم خواهد داد دجیز تازه ای نخواهد بود. اما آنچه قابل توجه است اینست که برنامه های سرکوب دولت بشکل سیستماتی ارائه شده است. این برنامه شامل دو قسمت در ارتباط تنگاتنگ با هم اجرا میشود:

۱- سرکوب نیروهای انقلابی که تحت عنوان "مبارزه قاطع با گروهکهای مسلح" عنوان شده و عملکرد نیروهای سرکوبی پاسداران، بیدادگای با اصطلاح انقلاب زندانها، جوخه های اعدا موجوده های مرگ درخیا با آنها و سازماندهی سازمان اطلاعاتی (سا و اما) است که به گیتسار و سرکوب انقلابیون می پردازد و تاکنون هزاران نفر از بهترین فرزندان دلاور خلق با زداشت و زیر شکنجه برده شده و نزدیک به هزار نفر بموخه های اعدام سپرده شده و بیش از ۲۰۰ نفر در درگیریهای خیابانی شهید شده اند.

۲- سرکوب جنبش توده ای که بصراحت در برنامه منشا مده ولی در برنامه های وزراء مختلف آمده است. این برنامه های سرکوبگرانه می با بدمدارین، کارخانه - جات، ادارات و وزارتین و شهرهای وزارتند (مرمی سمور) اجرا گذاشته شوند. پرورش این عنصر فرست طلب، بی شخصیت و ترسو که تنگ سرپردگی باستان شاه را قبول کرد و کوس رسواشی سابقه کشیف اوجی در مجلس بی غبار و بی آبروزده شد و خلقانی اورا بی عرضه و ترسو ویز دل لقب داد، مجری طرح سرکوب دانش - آموزان و معلمان شده است. او در اولین مصاحبه پس از انتخابش به وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد: "سال آینده با پسند سال ها کمیت حزب الله در مدارس باشد!" طرح رژیم برای مدارس از مدتی قبل به مرحله اجرا درآمده است. این برنامه شامل محصلین و معلمین هر دو میباشد. در مورد محصلین از مدتی قبل طی بخشنامه - ای از تمام مدیران مدارس خواسته شده است که از اسم نویسی محصلین مبارز و آگاه جلوگیری کنند و چه بسا آنها را به ما مورین تحویل دهند. علاوه بر آن از محصلین و اولیاء آنان تمهید گرفته شده میشود که اگر کوچکترین فعالیتی کنند اولیاء مدرسه میتواند آنها را بفوریت اخراج کنند. از طرف دیگر میخواهند با تسلط کردن انجمن های سالی در مدارس به رواج جاسوسی میدان داده و هرگونه جنبش را در مدارس توسط اوباشان حزب الهی سرکوب کنند. در این باره رئیس جمهور سابق، رجایی سابق، هم به میدان آمد و با پذیرفتن نما بندگان انجمن های اسلامی مدارس به آنها دستور العمل داده و اعلام کرده که اعضای انجمن - های اسلامی در مدارس حکم سران در جبهه را دارند! اما بلکه بتوانند محصلین مدرسه را مثل سربازان زنده کرده و بدینوسیله و مقررات سربازان را در مدارس برقرار کنند!

بخش دیگر سیاست سرکوب رژیم در

بقیه از صفحه ۱
باین ترتیب رژیم میخواهد وانمود کند که تمام اشکالات مملکتی، نداشتن هیئت دولت تمام و کمال مکتبی بوده و این امر هم بدلیل وجود لیبیرالهاست. حاکمیت و یکپارچه نبودن حکومت بوده است. و حال که این "مشکل" رفع شده و حزب جمهوری اسلامی کاملاً "مکمل" و مسلط شده دیگر همه کارها درست خواهد شد! با هنر این معنی را بصراحت در مجلس بیان کرد او گفت:

"چنانچه را ننده شده اند، گروهک ها شناخته شده اند، ملت و ارث اصلی انقلاب است ارث خود را بدست گرفت و متولیان واقعی انقلاب (یعنی سردمداران حزب جمهوری اسلامی) توانستند به تولیت قطفی برسند!"

می بینیم که رژیم دعا می کند که حلال مشکلات را یافته است. اما همه میدانند که واقعیت غیر از اینهاست. آنچه رژیم از ابتدای تشکیل با آن دست بگریبان بوده ادامه بحران اقتصادی - اجتماعی، بیکاری، کمبود آرزاق، تورم زاید الوصف، تشدید مبارزه طبقاتی، کوشش حکومت در سرکوب خواستهای اقتصادی و دمکراتیک توده ها و سرکوب خشن و قهراً میز خلقهای تحت ستم ملی و فرهنگی است که بطور کلی در کشاکش انقلاب و فدا انقلاب تلور پیدا کرده و میکند. در این میان مسائل نظیر بحران گروگان گیری، جنگ و... که همه از ماهیت پرترضا دین رژیم نشات میکنند با این بحران عمیق جا مه شدت بخشیده است. این مسائل اساسی هستند که نه دولت موقت یا زرگان، نه حاکمیت شورای انقلاب، نه حکومت بعدی بنی صدر - رجایی و نه حکومت یکپارچه حزب جمهوری اسلامی قادر به حل آن نبوده و نیستند. و حال آنکه بحران مکتبی که حاکمیت بلا منازع حزب به تشدید بحران پیش از این دامن زده و با شروع جنگ داخلی و درگیریهای خونین با رادستگیریها و اعدا مهاجران اقتصادی - اجتماعی به اشد خود رسیده است و از آنجا که حاکمیت کنونی قادر به حل آن نیست به تنهایی به ای که تمام رژیمهای متداول و ضد خلقی در دست دولت راندیمنی سرکوب خشن و آشکار متوسل میشود. اینجاست که می بینیم شا بهیست تمام برنامه های حکومت حزب جمهوری اسلامی (اعمال رجایی، با هنر، مهدوی کنی و هر که درآ بپنده باشد) سرکوب است و - سرکوب است و سرکوب.

با هنر در صدر برنامه اش که در مجلس اعلام کرد "مبارزه قاطع با گروهکهای مسلح" را تا میزد و تمام برنامه های روزمره دولت، وزارتخانه ها، ریاست جمهوری و نظ و خطابه های خمینی، شورای عالی قضایی، خطبه های نماز جمعه ها در سراسر ایران تیسر سرکوب دور میزد و با نظر پاسار نیرو در برنامه دولت گنی جز این باشد. بقیه برنامه ها شیکه توسط با هنر اعلام شده است نظیر "دولتی کردن تجارت - خارجی بنفی بهره کشی در محیط کار، خامه دادن به سودجویان و خاک بازی در معاملات ارضی شهری، اجرای اصلاحات ارضی اسلامی و اجرای تمام احکام اسلام"

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا
وپایگاه داخلیش



کردستان گویاترین شاهد در ماندگی رژیم وقدرت توده‌ها

از هم پاشیدند. بیش از ۲ ماه میگذرد، رژیم سفاک جمهوری اسلامی بسیاری از جوانان انقلابی را اعدام کرده است و در زندانها حمله خون براه انداخته اما مبارزات - انقلابی روز بروز شدت گرفته و ابعاد تنوعی یافته است. علیرغم تمامی تلاشهای مذبحانه رژیم، انقلاب همچنان به پیش میرود.

رژیمی که در طول ۲ سال با توپ و تانک و قاتل شوم نتوانست مقاومت خلق کرد را درهم شکنند هرگز قاتل در نخواهد بود جنین انقلابی در سراسر ایران را - درهم بکوبد.

مرکز رژیم جمهوری اسلامی زنده باد انقلاب

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

هر با روزنامه‌های دولتی می نویسند و رادیو تلویزیون دولتی میگوید مناطق مختلف کردستان از لوث وجود خدا انقلاب پاک شد و حاکمیت کامل جمهوری اسلامی برقرار گردید!

بیش از دو سال میگذرد و مدام با راهین حملات تکرار شده است و روستاها و شهرهای کردستان بزیارت و بمب و گلوله های فراوان سرکوبگر رژیم ویران شده است اما حاکمیت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی هرگز در آنجا برقرار نگشته و توده های خلق همچنان قهرمانانه میروند.

اینک در مقابل مبارزات توده‌ای - خلقی در سراسر ایران هر با روزنامه های دولتی می نویسند و رادیو تلویزیون دولتی میگوید "۲۶۵ خرابکار دستگیر شدند، ۶۲ نفر اعدام شدند، چند خانه تپمی کشف شد، منافقین نابود شدند، گروهکها



سازماندهی باندهای سیاه بجای تسلیح توده‌ها

بسیج مستضعفین: کسان ۶۰/۶/۱۲
حزب اسلام سالک مسئول
**حزب الهی‌ها
جذب بسیج
می‌شوند**

مردمی که در رابطه با بسیج هستند، تماما حکم مأموران اطلاعاتی را دارند.

کسانی که در رابطه با بسیج هستند، تماما حکم مأموران اطلاعاتی را دارند.

رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی که قتل و کشتار و اعدام را وسیله تپه پیش میبرد. سازماندهی و تسلیح توده های انقلابی را غرضی کرده است. اکنون بسیجیانی در ۲۰ شهرستان برای همه مردم آموزش تر میگذرد. ارتش ۲۰۰۰ بسیجی برای ارتش از جمله قاتلان، قاتله - زندان، قاتلان و قاتله های حزب الهی، ارتش ۲۰۰۰ بسیجی، یعنی با سازماندهی و تسلیح توده های سیاه، با رسی شدن وظایف اطلاعاتی بسیجی ها در زیر پوشش عوام قریبانه بسیج مستضعفین چهره گریه و زشت ساوا که آشکار می شود.

زحمتکشان مبارز! مردم زنده!

می بسیم که رژیم زیر پوشش ارتش ۲۰۰۰ بسیجی با تدهای شوربخت و چاقو آزاران را سازماندهی میکند و در جهت سرکوب مبارزات توده‌ها و انقلابیون بکار میگیرد. این عمل به خوبی این اصل را ثابت میکند که رژیم‌های ضد خلقی نمیتوانند توده‌ها را مسلح کنند و ارتش خلق پیش از هر چیز هر اس را دارند. تنها رژیم‌های انقلابی قادرند با مبارزات و فعالیت‌ها در زیر پوشش توده‌ها عملیات و کشتار را انجام دهند. تنها توده‌های مسلح می‌توانند از آذوقه کسند و از دی خود را حفاظت نمایند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

را نندگان تاکسی پایان یافت. لازم به تذکر است که تعاضونی تاکسیرانی توسط خود آنها اداره نمی‌شود. هیات - مدیره تعاضونی انتصابی است و این طرحی است که رژیم قبلی برای کنترل و اداره تاکسیرانان بعنوان بخشی از سازمان امنیت از آن استفاده میکرد هم اکنون نیز طبق روال سابق، تعاضونی به شکل قبیل اداره می‌شود و از آن برای کنترل و تنبیه و تعقیب تاکسیرانان استفاده می‌کند. بنا بر این تاکسیرانان برای بدست گرفتن کنترل تعاضونی باید متشکل عمل نموده و در این راه اقدامات جدی بعمل آورند.

اعتراض رانندگان تاکسی

روزه شنبه ۶۰/۶/۸ حدود ۴۰۰ نفر از رانندگان تاکسی در تهران جلوشرکت تعاضونی تاکسیرانی درسی متری تا ریک جمع شده و به نحوه پرداخت سهمیه روغن موتور اعتراض داشتند. همچنین مسائل و مشکلاتی را در رابطه با تعاضونی خود مطرح می‌نمودند. این حرکت اعتراضی با دخالت مأمورین ستاد امنیت تهران و پاسداران با دادن وعده و وعید به

برنامه دولت...

بقیه از صفحه ۱۵

و اعتصابات باشد. سرکوب نمایند. دولت حزبی و مکتبی فشار سرکوب خود را بر پرسنل انقلابی ارتش و شهرستانی و ژاندارمری افزون کرده و طرف چپ هفته اخیر تعداد زیادی از فرمان و درجه داران، بخصوص در نیروی هوایی را - دستگیر و اعدام کرده است و تحقیقات وسیع و دامنه داری برای شناختن و دستگیری پرسنل انقلابی در ارتش و شهرستانی آغاز گردیده است. فشار رژیم بر پرسنل شهرستانی افزون از حد است و از آنجا شبکه در بین پرسنل جوان شهرستانی مقاومت برای درگیر شدن با مردم و انقلابیون بسیار دیده شده لذا رژیم و تمام مقامات فشار - شان را بر این پرسنل چند برابر کرده اند. و با لاف و بموازات حرکت در جهت سرکوب نیروهای انقلابی و جنبش توده‌ای رژیم با استفاده از کادرهای با تجربه ساواک و رکن ۲ ستاد ارتش و یکمستک مستشاران خارجی دست اندر کار ایجاد یک سازمان با اطلاعات و جاسوسی است. - توصیه‌ها و فشارهای آیت الله خمینی منتظری، مشکینی در باره تشکیل جنبش سازمان اطلاعات (که البته جنبش سازمانی بنام سازمان اطلاعات و امنیت ملی ایران ساوا ما موجود دارد) زمینه سازی برای آماده کردن ذهن عمومی جهت بتصویب رساندن قانونی در مجلس است. برویه سازماندهی این سازمان در جهت مثل تشکیل ساواک است که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۲۲۰۰ یک دوره سرکوب توسط فرمانداری نظامی به ریاست تیمور بختیار جلاد انجام گرفت و سپس قانون تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور بتصویب رسید که مسئله حکومت ترور و اغتشاق و حکومت نظامی را بصورت دائمی در آورد. اکنون رژیم که تمام نیروهای ساواک را دست - نخورده حفظ کرده است و با در اغتشاق داشتن کامیونتر ساواک و استفاده از مزدوران خائن و خود فروخته ساواک و مستشاران خارجی می‌خواهد شکل قانونی با این ارگان سرکوب دائمی بدهد. با این ترتیب می‌بینیم که برنامه دولت منتخب خمینی (هر که باشد) سیاست ترور و اغتشاق و سرکوب را و جهت خود قرار داده و میخواهد با اعداد مهای بیشتر، کشتار بیشتر، با زداشتهای بیشتر، اخراج - های بیشتر و بطور کلی فشار بیشتر بر توده‌ها، ایران را مبدل به گورستانی کند که در آن زمان مداران حزب جمهوری - اسلامی و تاجران بسته به حزب به غارت هر چه بیشتر و بدون دغدغه خاطر خود ادا داده و جزیره آزادی برای غارتگری انحصارات جهانی فراهم نمایند. و از اینروست که توده‌ها بروشنی در می‌یابند که سرکوب نیروهای انقلابی و بدنبال آن سرکوب جنبش توده‌ای عملاً چیزی جز خدمت با میریای لیم نیست.

حق تعیین سرنوشت حق مسلم خلقهاست

نمایش مضحکی بنام مصاحبه تلویزیونی

بقیه از صفحه ۱

شان سودبیرند، چرا شقایق اضافه دستمزد می‌کنند؟
در این رابطه مثالهای زیادی میتوان زد. مثلاً زندانیان زندان اوین در زمان شاه نیز عمدتاً از طبقات محروم جامعه بودند که بدلی فقر و بیگاری به سوی ساواک جلب گردیده بودند و در میان سپاهیان هیتلر، کارگران - ناآگاهی بودند که با تحمق و فریب و تحریک احساسات شونیستی جلب سازمان فاشیست هیتلری گردیده بودند. و ناآگاهی آنها به خدمت سرما به داران - درآمدی بودند. اگر هیتلر تخت پوشش نژادپرتمودمان را در خدمت سیاستهای تجار و کارخانه خود بخد مت گرفت، رژیم جمهوری اسلامی و در اس آن همینی از طریق مذهب برتریا اسلام، سیاستهای راه پیش می‌برد.

رژیم جمهوری اسلامی بیهوده - می‌کوشد از زبان مصاحبه‌گرانش با این بیان که با ساداران از طبقات زحمتکش - اند مردم را بفریبد. مردم با ساداران را با سیاستی که به پیش می‌برند و اینکه منافع تجار مکتبی و سایر سرمایه‌داران و زمینداران را تا مین می‌کنند می‌شناسند. اکنون مردم در تجربه روزمره خود دریافته‌اند که با ساداران سرکوبگران خلق و دشمنان خلقند. از این مسئله که بگذریم در خاسته تمامی مصاحبه - کنندگان، برای این نکته نیز تا کید داشتند که آنها تحت فشار و شکنجه و آزار به این نمایشات شده‌اند بلکه آگاهانه و پس از اینکه مدتی در تنهایی بسر برده‌اند با گمان فهمیده‌اند که تاکنون آشنا کرده‌اند و تقدیر بر این امر صابر دارند که بر سواشی شان می‌افزاید. حال آنکه مردم که تجربه نمایشات آنها را هنوز با طردارند، قضاوت خود را از پیش کرده‌اند. و این نیرنگ نیز همچون سار بر حیل‌های رژیم‌کامی را زبیش نخواهد بود.

جبهه متعددی را تشکیل میدهند که وجه اشتراک آنان توطئه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. اینکه در شرایط کنونی وابستگان رژیم گذشته اعم از سلطنت طلبان و درباری و طرفداران بختیار که تمامبندگان مستقیم انحصارات امپریالیستی در ایران بوده‌اند و هم اکنون خواستار سرنگونی رژیم کنونی اند، نمی‌توانند تردیدی داشت اما همانطور که گفته شد آنان خواستار بازگشت حاکمیت انحصارات امپریالیستی نظیر حکومت شاه می‌باشند اما هدف انقلابیون آرسنگونی رژیم کنونی همانا برقراری حاکمیت کارگران دهقان و دیگر زحمتکشان است و ما هیتنا با اهداف ضد انقلاب مغلوب متفاوت و اساساً متضاد است. یعنی انقلابیون ایران معتقدند که رژیم کنونی کینه شغایته بورژوازی تجاری است. باید

سرنگون شود و حاکمیت کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان برقرار گردد. تضاد انقلابیون با سلطنت طلبان فراری و وابسته به رژیم گذشته تضاد ذاتی و کونیستی انقلاب و ضد انقلاب است و حال آنکه تضاد رژیم جمهوری اسلامی با این مزدوران امپریالیزم تضادی در درون یک طبقه یعنی تضاد جناحهای مختلف بورژوازی می‌باشد و گرچه با هم اختلاف دارند اما هر دو جناح تضاد انقلابیست.

اما نکته دومی که در مصاحبه ها رژیم سعی دارد از زبان مصاحبه‌کنندگان بازگو نماید این است که با ساداران از طبقات محروم جامعه برخاسته‌اند و آنان از طبقات مرفه نیستند اما عروسان کوکی مصاحبه‌کننده که این جملات رژیم را سخاوت می‌کنند و بیکیال خود می‌خواهند اصطلاح پادار سرمایه به راه کاروسی سازمانهای انقلابی‌بدانان اطلاق می‌شود نفی نمائید. آنقدر مرغوب شده‌اند که نمی‌فهمند با سادار سرمایه همان سرما به دار نیست بلکه مزدور -

حاکمیت حامی سرمایه داران را پیشه کرده‌اند و به همین جهت مجری سیاستهای سرکوبگرانه رژیم علیه توده های زحمتکش و انقلابیون خلق شده‌اند و در خدمت هموار آمواده اند تا هرگونه اعتراضی را خفه سازند از همین روست که پادار سرمایه به لقب گرفته‌اند. آنان هم اکنون به نیروی مافوق مردم و پادارگان مستغری طبقه سرمایه به دار تبدیل گردیده‌اند ما ر کسب عمق بیداری می‌بیند و سطحی به مسائل نمی‌نگرد. مثالی تاریخی در این مورد بیجا است. در حکومت کورنکی وزیر کار ریگ کارگروها ما بخد مت سرما به داران درآمدی بود، هنگامیکه کارگران روسیه اعصاب کرده بودند و در سخنانی برای کارگران گفت که من هم مثل شما یک کارگر کم درآمدی هستم سرما به داران هم حق دادند که از سرمایه

اسلام افتاده بودند، حتی کا تولیک تراز با پادار آمدند، ما در سطح می این مصاحبه - ها رژیم سعی داشت دو مسئله را از زبان آنان بیان کند.
مسئله اول این بود که ما مدین یکی از دلایل سادامت خود را وجود زندانیان وابسته به رژیم گذشته در زندانها میدانستند آنان چنین استدلال میکردند که چون برخی عناصر رژیم شاه در زندان هستند پس رژیم کنونی انقلابی است.
در اینجا وارد این بحث نمی‌شویم که چه بسیار عناصر رژیم گذشته و از جمله سران ارتش و ساواکها که در جریان قیام دستگیر شده بودند از زندانها رها شده و در کارهای مختلف از جمله "ساواک" به خدمت گرفته شدند و آن سخن که در زندان باقی مانده‌اند به حساب ساداران رژیم در زندان مبدل شده‌اند و دوره کارآموزی را میگذرانند. عناصری چون شیخ الاسلام زاده حتی آزادی سرکنی به خانه اش راهم دارد.

اما حتی اگر تمامی عناصر وابسته به رژیم گذشته دستگیر و اعدام شده باشند باز دلیلی بر حقانیت رژیم نیست بلکه باید دید شیوه برخورد رژیم با توده‌ها چگونه است این امر ملاک قضاوت شما میتواند نباشد. در رژیم گذشته هنگامیکه شاه سقوط رژیم را احساس میکرد حتی هویدا و نمیری را به شما به بیلاگردان خود به زندان انداخت. آبا شاه انقلابی شده بود و یار رژیم کنونی ترکیه که هم دست راستی های فاشیست را سزاندن می‌افکند و هم انقلابیون دمکرات و کمونیستها را، و در زندانهای ترکیه هر دو دسته در کنار هم می‌زادند و محکوم می‌شوند و حتی اعدام میگرددند. آیا می‌توان بر اساس اینس حقیقت حکم صادر کرد که رژیم ترکیه انقلابی است؟

و یاس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ در روسیه، حکومت کورنکی هم طرفداران تزار را سرکوب میکرد (اشاره به شورش کوریلنکو و هم‌نشویکها را، تا حکومت کورنکی انقلابی بود؟ در این مورد دلنشین در پاسخ به کارگران بورژوازی گفت: هرکس بگوید کارگران بمنظور مبارزه با

ارتجاع تزارسیم، باید از دولت جدید پشتیبانی کند، آنکس که کارگران و راه پرولناریا و امر صلح و آزادی حسانت و رزیده است.... خیر، برای مبارزه واقعی بر ضد سلطنت تزاری، سواشی تا مین واقعی آزادی، که فقط در گرفتار و فقط منحصراً موانع و تیرین زبانه‌های میلیوکف و کورنکی نباشد، دولت جدید باید از کارگران پشتیبانی کند نسبه کارگران از دولت جدید (تا ماهی از دور) در همین رابطه رژیم علاوه بر نمایشات مصاحبه‌ها، در تبلیغات رادیو تلویزیونی و مطبوعاتش هم که در دست در اختیار دارد، همواره چنین و نمود می‌آورد که سلطنت طلبان و نیروهای انقلابی

هموطنان مبارز!

اعلامیه‌هایی که بدست شما میرسد در زیر سر سینه‌های رژیم خونخوار جمهوری اسلامی با زحماتی شبانه‌روزی و به بهای به خطر افتادن جان دهها تن از فرزندان شما تهیه گشته و بدست شما رسیده است. بعد از خواندن آنها را به دوستان و آشنایان خود بدهید و در صورت امکان آنها را به هر طریق که میتوان تهیه تکثیر و پخش نمائید.

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران



اعدام شدگان مردادماه بدست جلادان جمهوری اسلامی ۲۶۵ نفر بود

ردیف	نام شهید	تاریخ اعدام	محل اعدام	شرح
۱	حسین عاقل	۶۰/۰۵/۱۲	تهران	راکه بدست دژ خیمان
۲	نهضت موسوی	"	"	جمهوری اسلامی
۳	حمیدرضا خوشن	"	"	دنیایه اما می یعنی شهدای مردادماه را منتشر میکنیم. توضیح اینکه
۴	داریوش نیکوبین	"	"	اسامی و مشخصات و وابستگی گروهی این قهرمانان خلق آنطور است که
۵	محمدآر روش	"	"	رزیم اعلام کرده است:
۶	شهرام جنا	"	"	تاریخ تقریبی
۷	حسن کهریزی	"	"	۶۰/۰۵/۰۴
۸	حجت الله ملک	۶۰/۰۵/۱۳	تهران	۶۰/۰۵/۰۵
۹	چنگیز عروسی	"	"	"
۱۰	کا مینا رجها نیکگیری	"	"	"
۱۱	مسعودا بوسمیدی	"	"	"
۱۲	خالق نقده	"	"	"
۱۳	رحمت حبیب پناه	"	"	"
۱۴	محمود ولیدی	"	"	"
۱۵	منوچهر دست نبوغ وحدت کمونیستی	۶۰/۰۵/۱۴	تهران	"
۱۶	ابوالفضل مالچی	"	"	"
۱۷	بهرام مرغانی نژاد	۶۰/۰۵/۱۳	تهران	"
۱۸	احمد صابری جهرمی	"	"	"
۱۹	احمد ناست جو	"	"	"
۲۰	محمد علی جواد گلپای سی	"	"	"
۲۱	علی الوندپور	"	"	"
۲۲	ابراهیم برا هیمنی	"	"	"
۲۳	فرزاد بدیا خدا	"	"	"
۲۴	سید محمود حجتی	"	"	"
۲۵	کاظم میرزائی	۶۰/۰۵/۱۶	کرمانشاه	"
۲۶	علی سیفوری	"	"	"
۲۷	ویکتوریا دولتشارهی	"	"	"
۲۸	محمد شقایق	"	"	"
۲۹	محمد مرادی	"	"	"
۳۰	اعظم شادبختی	"	"	"
۳۱	علیرضا جهانگیر	"	"	"
۳۲	یوسف آتش جا مه	"	"	"
۳۳	محمد حسین زکاوند	"	"	"
۳۴	مهدی اکبری ان	"	"	"
۳۵	بهرام هادیان	"	"	"
۳۶	امیر فاعل	"	"	"
۳۷	علی قینمی	"	"	"
۳۸	ابراهیم مددی	"	"	"
۳۹	احمد رضا شادبختی	"	"	"
۴۰	محمد علی جباری	"	"	"
۴۱	محمد مهدی رحبر تربتی	"	"	"
۴۲	ابراهیم مصلحی	"	"	"
۴۳	سید مصطفی شورا	"	"	"
۴۴	قاسم کبیری	"	"	"
۴۵	ابراهیم بابا زاده	"	"	"
۴۶	بردم ستا قیان	"	"	"
۴۷	مجید قریبی	"	"	"
۴۸	محمد رضا آتش فراز	"	"	"
۴۹	محمد حسین عبا سپور	"	"	"
۵۰	سمیداک کبرپناهی مقدم	"	"	"
۵۱	حسین گنجی	"	"	"
۵۲	کوروش منصور ایلپادی	"	"	"
۵۳	جواد دستاری	"	"	"
۵۴	بشیر گلیا هی	"	"	"
۵۵	سیروس رستگار تهرانی	"	"	"
۵۶	فیروز فرهادیان	"	"	"
۵۷	حبیب حیدری	"	"	"
۵۸	احمد جعفری	"	"	"
۵۹	ماداق اقمشه	"	"	"
۶۰	عطا الله حاجی محمودیان	"	"	"
۶۱	محمد رضا حسینی	"	"	"
۶۲	فرهاد پاک فطرت	"	"	"
۶۳	محمد هاشم خارج	"	"	"
۶۴	حمید ایمانی	"	"	"
۶۵	مهرا ریاضی	"	"	"
۶۶	علی عباسیان	"	"	"
۶۷	جواد امیرشاهی	"	"	"
۶۸	مجا هدیین خللیق	"	"	"
۶۹	ابراهیم ملک تجاری	"	"	"
۷۰	محمد دا ناتور (مهدی)	"	"	"
۷۱	سپهبد ملک محمدی (میرزا)	"	"	"
۷۲	یحیی کرب پورست	"	"	"
۷۳	محمد دا ناتور	"	"	"
۷۴	مهدی یوسفی	"	"	"
۷۵	رمضان علی ماسی اعلام نشده است	"	"	"
۷۶	رحیم سلیم زاده	"	"	"
۷۷	سید قاسم حسینی	"	"	"
۷۸	مهدی زارمضان اعلام نشده است	"	"	"
۷۹	جمشید شاهی	"	"	"
۸۰	موسی ترا زکوهی	"	"	"
۸۱	فرخ روزستانی	"	"	"
۸۲	سیروس پورگرد	"	"	"
۸۳	کیومرث محمد علی	"	"	"
۸۴	زاده	"	"	"
۸۵	عیسی دارابی	"	"	"
۸۶	ایم اعلام نشده	"	"	"
۸۷	بهرام قاسم خانی	"	"	"
۸۸	فریدوز خطیبی	"	"	"
۸۹	عباس نعمتی	"	"	"
۹۰	حسن علی مفا شی	"	"	"
۹۱	محمد شهابی	"	"	"
۹۲	حسین مدنی	"	"	"
۹۳	سمید متحیدین	"	"	"
۹۴	غلامرضا رحمانی	"	"	"
۹۵	احمد عابدیا زامیری	"	"	"
۹۶	سید حسین شاهری	"	"	"
۹۷	مصطفی محمد علی پور	"	"	"
۹۸	کا کردری	"	"	"
۹۹	علی اکبر مرزونی	"	"	"
۱۰۰	ذکریا فیروزی	"	"	"
۱۰۱	غلامحسین نجاریانی	"	"	"
۱۰۲	رحمان اکبری	"	"	"
۱۰۳	علی با صرغمندی	"	"	"
۱۰۴	ابراهیم جلالتی	"	"	"

تقیه در صفحه ۱۹

مبارز ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

اعدام شدگان مرداد ماه بدست جلادان

تغییر صفحه ۱۸

مجا هدی بن خلیق	چالیوس تیمورام	"	"	"	"	محمد علی نجاشی	"	"	"
"	عبداللہ شاہ حسینی	"	"	"	"	سیدرضا صفحانی زاده	"	"	"
"	عبداللہ زوحی دهنبہ اعلام نشده است	"	"	"	"	محمد نصیری فر	"	"	"
"	حاجا مدعوب زاده بچری	"	"	"	"	محمود انتظاری	"	"	"
"	مادق کریمی	"	"	"	"	عاشق پور مسئله گو	"	"	"
مجا هدی بن خلیق	عباس رحمتی	"	"	"	"	حسن بیوسقی	"	"	"
"	حزین دمکرات	"	"	"	۶۰/۰۵/۲۴	مدرا لسا دات آلدادی	"	"	"
"	خسرو اکبری	"	"	"	"	کا مران مزداشی اتحادیه کمونیستها	"	"	"
مجا هدی بن خلیق	نصر اللہ جهرمی	"	"	"	"	حسن برکتی	"	"	"
"	علی حسین پور	"	"	"	"	علیبرضا را دیوسف نیا	"	"	"
"	حبیب اللہ حقیقت	"	"	"	"	ها دی برهان	"	"	"
"	مصین قدسی	"	"	"	"	حسین دهقان	"	"	"
"	محمد یوسف	"	"	"	"	رفا توسلی	"	"	"
پیکتیکار	عباس بنیانی	"	"	"	"	نا سرخی	"	"	"
"	عبداللہ مرافیون	"	"	"	"	ایوب ملکی	"	"	"
"	فرخا فتاری	"	"	"	"	رفا حکمران	"	"	"
"	حسین رفاشی	"	"	"	"	جمیل اکبری آذر فدائشی خلیق	"	"	"
"	محمود حسن مقدم	"	"	"	"	علی مقدم اعلام نشده است	"	"	"
"	جواد دهنبا ریان	"	"	"	"	مجا هدی بن خلیق	"	"	"
"	سیدها شمکرمی	"	"	"	"	اسد اللہ محمودی شانی	"	"	"
"	عباس محسنی مشهدی	"	"	"	"	مجید کوشی	"	"	"
"	مجیدرفا خسروکا مرانی	"	"	"	"	نا سرلیمانی	"	"	"
"	عبدالحمید فیاض	"	"	"	"	سعید رحیمی	"	"	"
"	سعید عرب یزدی	"	"	"	"	کیومرث طلائی زارهی	"	"	"
"	نصرت بیروم	"	"	"	"	مهدی عبوشی	"	"	"
"	ها مان شفیمی	"	"	"	"	مجتبی مبین پور	"	"	"
"	هادی حسین زاده گرمائی فیدائشی خلیق	"	"	"	"	عزیز اللہ عیسی پور	"	"	"
"	فرید زدا نیا ن	"	"	"	"	محمد باقر حبیب زاده پیژنی	"	"	"
"	محمد علی پور مسئله گو	"	"	"	"	علی اکبر صحرانورد	"	"	"
"	رضا اسدی	"	"	"	"	مصطفی نصیری	"	"	"
"	بها درکیا مرزی	"	"	"	"	سید محمود بیما دنی	"	"	"
"	علی مادقی	"	"	"	"	طا هر مرتضاشی	"	"	"
"	علی درزی شبروانی	"	"	"	"	محمد شریفی	"	"	"
"	قدرت عمز پوپور	"	"	"	"	فریدون نجاشی	"	"	"
"	مبین ضیا شندی چریکهای فدائشی	"	"	"	"	محمد علی شایانفر	"	"	"
"	کا مران دانشخواه پیکتیکار	"	"	"	۶۰/۰۵/۲۶	سید کمال میرشوا	"	"	"
"	حسن منصور	"	"	"	"	مریم اکبر شاهی	"	"	"
"	علی اکبر محمودی اعلام نشده است	"	"	"	"	کریم اکبری اعلام نشده است	"	"	"
"	مجا هدی بن خلیق	"	"	"	"	جمشید قاشمی	"	"	"
"	علیچه راضی	"	"	"	"	علی قارداش	"	"	"
"	اسما عیل واحدی	"	"	"	"	کا مران دانشخواه پیکتیکار	"	"	"
"	اکبر اسما عیسی	"	"	"	"	حسن منصور	"	"	"
"	بهروز کتاشی	"	"	"	"	عمیدرضا مقدسی	"	"	"
"	خسرو تقیم زاده	"	"	"	"	کریم جاویدی	"	"	"
"	ناد علی امین نیا	"	"	"	"	غیر اللہ حسین پور	"	"	"
"	حسنعلی شرابی اعلام نشده است	"	"	"	"	سعد رحمان پور	"	"	"
"	محمد رضا منگی	"	"	"	"	حبیب حمیدی	"	"	"
"	اسما عیل شاملی	"	"	"	"	بهروز ابو طالیبی	"	"	"
"	سید محمد میر غفوری	"	"	"	"	محمدما دق	"	"	"
"	صمد سراج	"	"	"	"	احمد جعفریان	"	"	"
"	سیحان سرا رومی	"	"	"	"	احمدنا موجو	"	"	"
"	مسعود شمس لغوتی	"	"	"	"	هما وردکار (مادر افتخاری)	"	"	"
"	ولی اللہ فرهادی	"	"	"	"	ایوب ملکی	"	"	"
"	محمد باقر جابجایی زاده	"	"	"	"	سهراب بایراملو	"	"	"
"	عزیز خلیق	"	"	"	"	امیر حسین شایانلو	"	"	"
"	محمد کتاشی	"	"	"	"	محمد اسما عیسی	"	"	"
"	اکبر یزدی	"	"	"	"	علی خواجوند	"	"	"
"	ابوالفضل تسلیمی	"	"	"	"	سید حجابیان	"	"	"
"	مرتضی احمد	"	"	"	"	کاظم نادری	"	"	"
"	اصغر مدنی	"	"	"	"	حسین رونقی	"	"	"
"	علی مدرس	"	"	"	"	رامیسر ابوالحسن مراد رستمی	"	"	"
"	عباس صدقت پور	"	"	"	"	مهدی مراد رستمی	"	"	"
"	محمد رضا زیدی	"	"	"	"	امیر هوشنگ میندی	"	"	"
"	محمد حسین خراسانیان پیکتیکار	"	"	"	"	علی مرسلی	"	"	"
"	احمد حاجی فطی	"	"	"	"	مجتبی ناظری	"	"	"
"	حبیب اللہ دادگو	"	"	"	۶۰/۰۵/۲۱	رفا بهمینیان	"	"	"
"	بهمن سورستانی	"	"	"	"	امتیاز بیژن معنون	"	"	"
"	محمد کاظم نژاد	"	"	"	"	رشیست نامرنا بیت بین اعلام نشده است	"	"	"
"	شهبان اللہ معون	"	"	"	"	محمد رضا کولاشی	"	"	"
"	غیرا دشور پستی	"	"	"	"	رفا تعلیمی روحانی دوست	"	"	"
"	علی رحیمی گندری	"	"	"	"				
"	غیرا مرز پناهی	"	"	"	"				
"	سید عمران محمدی	"	"	"	"				

گواهی یاد خاطره رفیق شهید جمیل اکبری

رفیق جمیل اکبری آذر در سال ۱۳۳۴ در یک خانواده کثرت فرزند در باغ غلئی از توابع خوی مدنی آمد. زندگی سختی را با کار کردن در آنجا گذراند و در سال ۵۶ موفق به گرفتن دیپلم شد و در همان سال توانست به رشته کارشناسی دانشکده کشاورزی تبریز وارد شود. رفیق جمیل پس از قیام ما تنها موجود برای خدمت به خلق به همکاران با سازمان پر دخت و پسر از اشعاب بطور غریزی و طبیعی در راه طردن دشمنان و خیانتهای بیگانگان گام برداشت. رفیق سه بار توسط کمیته و پادگان سرمان به دستگیر شد و چند ماهی را در زندان بسر برد و هر بار پس از آزادی از زندان در راه طبقه کارگر با جدیت بیشتری کوشش کرد تا اینکه در اردیبهشت ماه ۵۷ هنگام حمل ۱۸ عدد گلوله و مقدار کمی اعلامیه به زادگاهش دستگیر و پس از مدتی به یکسال زندان محکوم شد. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی با داشتن آگاهی از وضعیت رفیق و اینکه وی هرگز فرصت دست بردن به اشعاب را جهت دفاع از منافع طبقه کارشناسی نیافته بود، در ۱۲ مرداد ۵۷ به جرم قیام مسلحانه خون سرخوی را بر زمین میریزد و قلب پریشانی را از حرکت باز میایستاند. اما قلب جمیل هم اکنون در ایوان غلئی میثید.



گواهی یاد خاطره رفیق شهید گودرز همدانی

رفیق در سال ۱۳۳۴ در یک خانواده کارگری در درو رود متولد شد. پدرش کارگر آسیاب کارخانه سیمان درو رود بود. از همین رو او مستقیماً با درو رود طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان آشنا بود و به همین جهت برای دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان در سنگر فدائیان خلق جای گرفت و شجاعانه مبارزه کرد. رفیق پس از قیام ما به اردستان و تبریز رسید و از آنجا قطع ترور پر شور ترانز پیش به مبارزه خود ادامه داد. از ویژگیهای برجسته رفیق، صداقت انقلابی و عشق او به سازمان و اهدافش بود و اینها هرگز گدازید و او با شجاعت جنگ اجتماعی دولتهای ایران و عراق، طبق رهنمود سازمان، کمیته‌های برای توزیع سوخت به خانواده‌های محروم درو رود ایجاد کرد و به فروش ما به جتنا زحمتکشان به نرخ ارزانی از جمله توزیع تخم مرغ دست زد. همچنین او در توزیع نشریات و اعلامیه‌های سازمان کوشش فراوانی داشت و از این نظر همواره مورد تعقیب دشمنان جمهوری اسلامی قرار می‌گرفت. رفیق بهنگام نوشتن شعار "مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد دشوراها" - انقلابی، پیش‌سوی تشکیل مجلس موسسان، دستگیر و بهین جرم نیز اعدام شد. درسی ۱۰ دگانه رژیم و با دفاع انقلابی خود از اهدافش لایزال برانداختن ما کم‌شروعی نبود. بر وجود او فکند و تحسین تمامی زندانیان

پت است خون من در دست کارگر داس است خون من در دست بزرگوار

من در تمام عمرم این چنین شادی را احساس نکرده بودم چرا که در راه خلق جان باختن از بهترین آرزوهایم است

مهدی یوسفی

بخشیده بودند. رفیق مهدی یوسفی در اوایل خرداد ۵۷ ضمن پیش‌نشریات سازمان در یکی از محلات فقیرنشین تبریز مورد حمله جیره خواران رژیم قرار گرفت و به زندان افتاد و در هفتم مرداد ماه به جرم فدائی خلق بودن در محاکمه شد. حتی جزئی‌ترین اطلاعات خود را از دشمن پوشیده داشته بود و شجاعانه به استقبال جوخه اعدامی‌ها رفت. او پس از شنیدن حکم اعدام خویش نوشت: "من در تمام عمرم این چنین شادی را احساس نکرده بودم چرا که در راه خلق جان باختن از بهترین آرزوهایم است." او در نامه کوتاهی به سازمان نوشت: "با دیده به خلقهای قهرمان با درود به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران! ما از مرگ قوی‌تریم و در راه خلق همه وجودمان را با بی‌فدا کنیم. ما به راهی هر لحظه از ما هر اس‌اند و به همین خاطر ما را شهید میکند. من از سازمان میخواهم که راه اصولی در پیش گرفته و راه نفوذ پوتونیم را بگیرند. مرگ برای ما بی‌ارزش نیست. ما در آمریکا و با نگاه‌ها خلیج زنده با دگمونیتم تنها راه نجات انسانها! یا دشمن زنده و راهش با یاداری!

خون رفیق فدایی "مهدی یوسفی" ستاره‌سرخ شد و در نقش ونگار سازمان شایه‌های آذربایجان جای گرفت.

با ردیگردست جنایتکار سرمان به داری در پیدا دگانه‌های رژیم جمهوری اسلامی رفیق را از صفوف مبارزان برید. رفیق فدایی "مهدی یوسفی" از جمله رفقای پرشور و با ایمانی بود که پس از قیام ما به فعالیت سیاسی روی آورد. وی بعد از اشعاب رو به پیشرویی کمیته مرکزی، راه انقلابی را برگزید و با پیگیری و شجاعت عظیمی به فعالیت در راه پیشبرد آرمانها متعلق سازمان پرداخت.

رفیق مهدی در جریان این مبارزه به سنگرم فعالیت در زمینه تبلیغ و اشعاب فرهنگ انقلابی کشیده شد. صداقت، پشتکار و ایمان کمونیستی وی در اوچنان ظرفیتی آفریده بود که در مدت کوتاهی با بسیاری از مسائل و مشکلات زمینه‌ساز آشنا شد. تا آنجا که دست به تالیف جزوه‌ای تحت عنوان "دسیسات شقایق از نظر مارکسیسم - لنینیسم" زد. او از تشبیه فدائیان به چمن و صدف و غیره و بهر روز... بوده که مبارزه‌شان را با عشق به فرهنگ و ادبیات خلق ستوده‌ده خوش رنگ و غننی‌ایی تازه.

جانان را در دادگاه کشتار فرزندانشان انقلابیست. کوتا کنند همچنین در راه با اعدام رفیق فدائی گودرز همدانی و دو مجاهد شهید بنامهای تاجری و سید رضا موسوی که در تاریخ ۱۲/۵/۵۷ صورت گرفت روز ۲۰/۵/۵۷ زندانیان هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق سازمان محاهدین خلق مراسم یادبود مشترکی و با حضور سایر زندانیان عادی برگزار شد و این مراسم سرودهای انقلابی خوانده شد و سپس بنام مشترک دو سازمان قرائت گردید. در قسمتی از بنام آمده است: ما زندانیان سیاسی، ضمن گرامیداشت خاطره‌سختن از شهدای خلق و در اعتراض به کشتارهای اخیر، با ردیگر با خلق قهرمان خود پیما می‌بندیم که تانایبودی هرگونه استبداد، استعمار و استعمار را تا ضرورتا و گودرز و سایر انقلابیون شهید را ادا می‌دهد و انتقام خون شهدای خلق را از سر کوبگران خلق بگیریم.

عادی و سیاسی را برانگیخت. پس از صدور حکم اعدام رفیق و تا واپسین لحظات حیات برای افتخارش مزدوران رژیم پیش ازده بار از او خواستند که با مضایق ندا متناهی از مرکز راه‌های یافته و آزاد شود کاری کنسه بسیاری از سران رژیم کوشش در دوران تا کرده‌اند، ولی رفیق با قاطعیت درخور یک فدائی خلق، این تقاضا را رد کرده و مرگ سرخ را بر تنگ تسلیم ترجیح داد. او بگیا ردیگر تا بنت کرد که فدائیان راستین خلق هرگز به توده‌ها پشت نخواهند کرد و با لایحه رفیق در سرگانه سیزدهم مرداد - همراه دو مجاهد زندان بنامهای شهید محمد رضا موسوی و شهیدان مرحمت از هواداران سازمان ما هدیه‌ای خلق ایران کرد که جوخه اشعاب سازمان را قویا دمی کرده جوخه اعدام سیرده شد و خون سرخش نهال انقلاب مردم قهرمان ایران را آبیاری کرد. یا دشمنی سازمان با دورا هاشم با دار.

اعدام شدگان مرداد ماه بدست
جلادان جمهوری اسلامی
۲۶۵ نفر بود صفحه ۱۸

بمناسبت شهادت این رفیق شاخه سازمان در تبریز و دو همجنین هواداران سازمان در درو رود هیئت موسسان خون مستقل فرهنگیان پروردگی اعلامیه‌ها، هاشمی، ضمن محکوم کردن این جنایت رژیم و تحلیل از رفیق شهید از مردم قهرمان ایران خواستند که در مقابل هجوم افسار گسیخته رژیم با کت نشینند و دست ایشان

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد